University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 15 **Issue:** 34

Spring 2024

Article Type: Research Article **Pages:** 279-320

Data Trust, a Mechanism to Manage the Interests of Data Beneficiaries:Guidelines for the Data System in Iranian Law

Abbas Mirshekari[1]| Syyed Amin Pishnamaz[2]| Amir Abbas Rokni[3]

1. Assistant Professor, University of Tehran, Iran (Responsible Author) mirshekariabbas1@yahoo.com
2. Ph.D. Candidate in Private Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran s_pishnamaz@sbu.ac.ir
3 Ph.D. Student in National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran amir.roknni@gmail.com

Abstract

Data is one of the most valuable assets of the digital age, which is meaningful, valuable, and strategic, whether aggregated or separately. Data has led to a huge transformation in data-oriented industries and businesses such as artificial intelligence, and advertising, and the creation of giant businesses such as data processing and brokerage. In addition to industrial and economic aspects, data is related to privacy since it represents the characteristics and states of different individuals. The current model of data governance does not serve the interests of multiple data stakeholder groups. The consent-oriented structure for data collection and processing does not ensure the privacy of individuals. In addition, this structure does not allow the free flow of data due to the concentration of data resources in the hands of limited groups (Tech giants). Data Trust is a recently proposed model for data governance and management. Whether the use of the common law trust institution for this purpose is adaptable and useful is the main question of the current research. It seems that despite the existing challenges, due to: first, the flexibility of the structure and the adaptability of the elements to the players of the data industry, and second: the formation based on the fiduciary relationship between the trustee and and the beneficiaries, it can be a suitable option for the data governance method. be considered in The current research, the information is collected by the library method, first, the background of the trust institution is examined and then, the applicability and functions of this institution are studied in the field of data; Finally, the current position of the relevant regulations in Iran's legal system is analyzed in comparison to data trust and the necessity of adopting a neutral mechanism for managing personal data is emphasized.

Keywords: *Trust, Data Management, Fiduciary Duty, Conflict of Interest, National Data and Information Management Act.*

Received: 2023/05/05 **Received in revised form:** 2024/01/05 **Accepted**: 2024/02/03 **Published:** 2024/03/30

DOI: 10.22034/LAW.2024.56448.3268

Publisher: University of Tabriz Tabrizulaw@gmail.com

شاپا الکترونیکی: ۰۵۱۴-۲۸۲۱

مطالعات حقوق تطبیقی معاصر

دوره: ۱۵، شماره: ۳۴

بهار ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی **صفحات:** ۳۲۰-۲۷۹

تراست داده، سازوکاری برای مدیریت منافع ذی‌نفعان داده؛ رهنمودهایی برای نظام داده در حقوق ایران

عباس میرشکاری[۱]| سیدامین پیشنماز[۲]| امیرعباس رکنی[۳]

۱. استادیار دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول) mirshekariabbas1@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران s_pishnamaz@sbu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران amir.roknni@gmail.com

چکیده

داده‌ها از ارزشمندترین دارایی‌های عصر دیجیتال هستند که چه به صورت تجمیع‌شده و چه به شکل مجزا، معنادار و قیمتی و راهبردی‌اند. داده‌ها منجر به ایجاد تحولی عظیم در صنایع و تجارت‌های داده‌محور همچون هوش مصنوعی، تبلیغات و خلق تجارت‌های غول‌آسایی همانند پردازش و کارگزاری داده شده‌اند. علاوه بر جنبه‌های صنعتی و اقتصادی، داده‌ها ازآنجا که معرف اوصاف و حالات اشخاص هستند، با حریم خصوصی ارتباط پیدا می‌کنند. الگوی فعلی حکمرانی داده به‌عنوان ساختار رضایت‌محور قراردادی، منافع گروه‌های متعدد ذی‌نفع داده را تأمین نمی‌نماید؛ ازجمله آنکه اطمینانی نسبت به حفظ حریم خصوصی اشخاص در فرایند جمع‌آوری و پردازش داده ایجاد نمی‌کند. به‌علاوه، این ساختار به سبب تمرکز منابع داده در اختیار گروه‌های محدود (غول‌های فناوری)، جریان آزاد داده را ممکن نمی‌سازد. تراست داده الگویی است که به‌تازگی برای حکمرانی و مدیریت داده‌ها پیشنهاد شده است. اینکه آیا استفاده از نهاد تراست در حقوق کامن‌لا برای این منظور قابل انطباق و مفید فایده است، پرسش اصلی این تحقیق است. به‌نظر می‌رسد نهاد تراست علی‌رغم چالش‌های موجود، به سبب چند عامل؛ نخست، انعطاف‌پذیری ساختار و قابلیت انطباق ارکان بر بازیگران صنعت داده، و دوم، شکل‌گیری بر اساس رابطهٔ امانت‌داری بین متولی و ذی‌نفعان، می‌تواند گزینهٔ مناسبی برای شیوهٔ حکمرانی داده تلقی گردد. در تحقیق حاضر که اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است، ابتدا پیشینهٔ نهاد تراست بررسی می‌شود و سپس قابلیت به‌کارگیری و کارکردهای این نهاد در حوزهٔ داده‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ در نهایت، موضع فعلی مقررات در نظام حقوقی ایران در قیاس با تراست داده تحلیل شده، بر ضرورت اتخاذ سازوکاری بی‌طرف برای مدیریت داده‌های شخصی تأکید می‌گردد.

واژگان کلیدی: *تراست، تزاحم منافع، حکمرانی داده، قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، وظیفهٔ امانت‌داری.*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۲/۱۰/۱۵ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۰۱/۱۱

DOI: 10.22034/LAW.2024.56448.3268

ناشر: دانشگاه تبریز Tabrizulaw@gmail.com

مقدمه

هم‌زمان با پیشرفت فناوری‌های دیجیتال، حجم داده‌های تولیدی به‌طور چشمگیری در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که بنابر پیش‌بینی صورت‌گرفته، حجم مجموع داده‌های تولید، ضبط، کپی و مصرفی در سال ۲۰۲۲ به ۹۷ زتابایت[۱] و در سال ۲۰۲۵ به بیش از ۱۸۰ زتابایت خواهد رسید.[۲] نقش و اهمیت داده‌ها در بستر فناوری‌های جدید غیرقابل انکار است. در هر لحظه، حجم قابل‌توجهی از داده‌ها در اثر تعامل اشخاص با فناوری‌های دیجیتال ایجاد و ثبت می‌گردد. سکوهای دیجیتال از غول‌های فناوری[۳] چون آلفابت،[۴] اپل[۵] و متا[۶] گرفته تا ارائه‌دهندگان خدمات بانکی، سرگرمی، آموزش، حمل‌ونقل، خرده‌فروشان اینترنتی و هرگونه تجهیزات دیجیتال متصل به اینترنت دائماً داده‌های اشخاص را جمع‌آوری می‌کنند. بخش عظیمی از این داده‌ها مبیّن وضعیت، حالت و ویژگی اشخاص حقیقی است؛ از این حیث، داده و فرایندهای مربوط به آن، مانند جمع‌آوری، اشتراک‌گذاری و پردازش با حریم خصوصی اشخاص ارتباط پیدا می‌کند. در حقیقت، اشخاصِ موضوع داده در نگهداری و استفاده از داده‌های شخصی ذی‌نفع هستند.

افزون بر این، داده‌ها در هستهٔ مرکزی تحولات دیجیتال قرار دارند و بهره‌مندی از منابع عظیم آن در کنار نسل بعدیِ اتصال به اینترنت و نیز فناوری‌های نوظهور به‌ویژه هوش مصنوعی، سبب افزایش بهره‌وری در حوزهٔ سلامت، رفاه و خدمات به‌منظور آسایش عمومی خواهد شد.[۷] جریان آزاد داده‌ها به افزایش کیفیت زندگی و آسایش انسان و دستیابی

---

۱. هر زتابایت معادل ۱۰ به توان ۲۱ بایت است؛ به عبارت دیگر، هر ۱۰۲۴ گیگابایت یک ترابایت و هر ۱۰۲۴ ترابایت یک پتابایت و هر ۱۰۲۴ پتابایت یک اگزابایت و هر ۱۰۲۴ اگزابایت معادل یک زتابایت است.

۲ Statista, Volume of Data/Information Created, Captured, Copied, and Consumed Worldwide from2010to2020, with Forecasts from2021to2025. <statista.com/statistics/871513/worldwide-data-created>

۳ Tech Giants

۴ Alphabet

۵ Apple

۶ META

۷ Hendrik Mildebrath, Data GovernanceAct, p. 2. <europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS_BRI (2021)690674>.

به معیارهای توسعهٔ پایدار خواهد انجامید؛[۸] از این رو داده‌ها و جریان آزاد آن برای عموم افراد بشر خالی از فایده نیست. علاوه بر این، منافع گروه‌هایی مانند کسب‌وکارهای دیجیتال و بازیگران اقتصاد داده‌محور نیز به‌طور خاص متأثر از دسترسی به داده و جریان آزاد اطلاعات است. افزون بر اینها، اطلاعات مجازی می‌تواند منبع ارزنده‌ای برای نشان دادن وضعیت جامعهٔ کنونی به نسل‌های آینده باشد؛[۹] آیندگان برای شناخت نسل‌های امروزی و مطالعهٔ تاریخ و سرگذشت ما، نیازمند مراجعه به داده‌های باقی‌مانده از نسل ما خواهند بود. به این ترتیب، آیندگان در جریان آزاد داده‌ها و همچنین حفظ و بقای آن، ذی‌نفع محسوب می‌شوند.

ساختار کنونی حکمرانی داده، ابعاد اهمیت داده را در تزاحم با یکدیگر قرار می‌دهد. در ساختار فعلی، داده‌های اشخاص پس از اعلام رضایتِ نه‌چندان مطمئن، در اختیار سکوهای دیجیتال قرار می‌گیرد. بیم نقض حریم خصوصی اشخاص ایجاب می‌کند که دسترسی به داده‌های اشخاص از سوی دیگران به‌خصوص سکوها به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی جریان آزاد داده، با محدودیت همراه باشد. افزون بر این، گسترش مقررات سخت‌گیرانهٔ حریم خصوصی مانعی برای پیشرفت فناوری‌های مبتنی بر داده محسوب می‌شود. در عین حال، انحصار تمرکز داده‌ها در دست غول‌های فناوری در شرایط فعلی، توازن در صنعت فناوری را برهم زده و جریان آزاد داده را دشوار نموده است؛ همان‌گونه که حفظ و بقای داده‌ها برای منافع آیندگان را به‌خطر انداخته است.

تراست داده به‌عنوان نهادی برگرفته از تراست سنتی در حقوق انصاف؛[۱] سازوکاری است که به‌تازگی برای حکمرانی و مدیریت داده‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در مواجهه با این ساختار، پرسش اصلی آن است که آیا می‌توان از نهاد تراست به‌منظور مدیریت داده‌ها

---

۸. United Nations, Roadmap for Digital Cooperation, p. 18.
<Secretary.www.un.org/en/content/digital-cooperation-roadmap>.

۹. عباس میرشکاری، «ارث حساب‌های مجازی»، *دانش حقوق مدنی*، ش ۲ (۱۳۹۷)، ص ۵۸.

۱. Equity

در این مقاله مقصود از انصاف شاخه‌ای از نظام حقوقی انگلستان است که از قرن پانزدهم میلادی موازی با نظام کامن‌لا شکل گرفت و به‌تدریج به رقیبی برای آن تبدیل شد. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. به عادل، مرتضی، «*قواعد انصاف در نظام کامن‌لا*»، حقوق، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، ش ۱ (۱۳۸۹)، صص ۱۸۰-۱۸۱

استفاده کرد یا خیر؟ به‌علاوه، آیا استفاده از ظرفیت این نهاد می‌تواند برای رفع تزاحم و جمع بین ابعاد مختلف اهمیت و کارکرد داده یعنی حفظ حریم خصوصی و فراهم آوردن امکان جریان آزاد اطلاعات مثمر ثمر باشد؟ در برابر پرسش نخست، برخی بر این باورند که «داده، قابلیت اینکه موضوع دارایی تراست حقوقی واقع شود را ندارد؛ بنابراین بر مبنای حقوق کشورهایی که تراست حقوقی را پذیرفته‌اند، نمی‌توان قائل به نهاد حقوقی تراست داده شد»؛[۱۱] ایدهٔ عدم پذیرش مالکیت نسبت به داده‌های شخصی[۱۲] می‌تواند مانعی برای الگوی تراست داده محسوب شود. ارزیابی این نظریه، بخش مهمی از مقالهٔ حاضر را به خود اختصاص داده است.

در خصوص پیشینهٔ پژوهشی مقالهٔ حاضر می‌توان ادعا کرد که در آثار پژوهشی به زبان فارسی تاکنون ساختار تراست داده مورد مطالعه و شناسایی واقع نشده است. با این حال، مطالعهٔ نهاد سنتی تراست در کامن‌لا در ادبیات حقوقی کشور ما دارای سابقه است. در این حوزه، مقالاتی مانند «تجزیه و تحلیل نهاد تراست در حقوق انگلیس و مقایسهٔ آن با نهاد وقف در حقوق ایران»[۱۳] و «مطالعهٔ تطبیقی تراستی و متولی، شباهت‌ها و تفاوت‌ها»[۱۴] پیش از این به نگارش درآمده‌اند. نقطهٔ افتراق مقالهٔ حاضر با عناوین پیش‌گفته، اتخاذ رویکردی جدید به نهاد تراست و استفاده از آن برای مدیریت منافع ذی‌نفعان داده در عصر فناوری‌های نوین است. به تبع این رویکرد جدید، موضوع تراست، بازیگران و اهداف آن، شکل تازه‌ای پیدا کرده که با تراست سنتی به‌عنوان میراث حقوق انصاف کاملاً متفاوت است.

در نوشتار حاضر که در آن اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است، با روشی تحلیلی- توصیفی تلاش می‌گردد پس از ترسیم ساختار تراست سنتی در حقوق انصاف،

---

۱۱. Chris Reed & Pinsent Masons, Data trusts: Legal and Governance Considerations, p. 12. <theodi.org/wp-content/uploads/2019/04/General-legal-report-on-data-trust >

۱۲. Aziz Z. Huq, "The Public Trust in Data", Georgetown Law Journal, Vol. 110 (2020), p. 370.

۱۳. محمدعیسی تفرشی و اصغر محمودی، «تجزیه و تحلیل نهاد تراست در حقوق انگلیس و مقایسهٔ آن با نهاد وقف در حقوق ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۳ (۱۳۸۳)، صص ۱۹-۴۶.

۱۴. احسان سامانی، «مطالعهٔ تطبیقی تراستی و متولی، شباهت‌ها و تفاوت‌ها»، حقوق خصوصی عدالت، ش ۲ (۱۳۹۳)، صص ۵-۴۶.

ماهیت تراست داده در عصر فناوری مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه، ارکان تراست داده اعم از موضوع و اطراف آن تشریح شده، رویکردهای موجود نسبت به شکل‌گیری تراست داده و کارکردهای آن مورد اشاره قرار می‌گیرد و در مبحث پایانی، موضع فعلی نظام حقوق ایران در قبال تراست داده از طریق مطالعهٔ مقررات حاکم در این حوزه ارزیابی می‌شود.

۱. تراست در حقوق انصاف

شناسایی ماهیت و به تبع آن، تعریف تراست به سبب ساختار پیچیده‌اش اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است.[۱۵] تعاریف مختلفی از نهاد تراست در لغت‌نامه‌های حقوقی در دسترس است که هریک از زاویه‌ای به آن پرداخته‌اند. در برخی تعاریف، تراست، حق مالی و در برخی دیگر رابطه‌ای امانی بین اشخاص معرفی شده است.[۱۶] لکن تراست در تحقیق حاضر، افزون بر آنکه مرتبط با حقوق مالی و روابط امانی است، شیوه و ترتیبی[۱۷] است که به‌موجب آن، مالی به قصد آنکه از جانب متولی[۱۸] در جهت منافع دیگری اداره گردد، منتقل می‌شود.[۱۹]

تراست میراث عصر فئودالیسم[۲۰] قرون وسطی در انگلستان است. انگیزهٔ اصلی شکل‌گیری این نهاد، مقابله با خشکی قواعد کامن‌لا در نقل و انتقال املاک و هزینه‌های سرسام‌آور این انتقال بود.[۲۱] اولین بارقه‌های بروز تراست به محدودهٔ زمانی جنگ‌های صلیبی بازمی‌گردد. برخی از نظامیان پیش از اعزام به جنگ، مالکیت اراضی خود را به اشخاص مورد وثوق منتقل می‌کردند تا منتقل‌الیه در خلال این مدت، ضمن نگهداری از زمین و

---

۱۵. Richard Edwards & Nigel Stockwell, *Trusts and Equity*, (London: Routledge-Cavendish, 4th ed, 2005), p. 81.

۱۶. Henry Campbell Black, *Black's law Dictionary*, (California: Thomson West, 9th ed, 2009), p. 1647.

۱۷. Arrangement

۱۸. Trustee

۱۹. Henry Campbell, Black, *op.cit*, p. 1648.

۲۰. Feudalism

۲۱. C.F. Padfield & D.L.A. Baker, *Law Made Simple*, (London: Oxford, 8th ed, 1994), p. 248.

اعمال حقوق مالکانه نسبت به آن، خانوادهٔ او را از زمین منتفع نماید.[۲۲] در حقیقت، این انتقال به جهت استفادهٔ[۲۳] اشخاص ذی‌نفع انجام می‌گرفت. همچنین، قرار بر این بود که در صورت بازگشت رزمنده از جنگ، زمین را به وی واگذار کند و در صورت عدم بازگشت نیز منافع آن را برای عائلهٔ رزمنده حفظ نماید.

در بسیاری موارد، مالک جدید زمین به تعهد خود عمل می‌کرد؛ لکن گاهی از تعهد خویش سرباز زده، منافع زمین را به ذی‌نفعان موردنظر مالک سابق اختصاص نمی‌داد. در این صورت، ورثهٔ رزمنده و یا خود او پس از بازگشت از جنگ، با مراجعه به محاکم، الزام مالک فعلی به انجام تعهد را مطالبه می‌کردند. در این موارد، دادگاه به سبب آنکه مقررات صرفاً مالک قانونی را به‌رسمیت می‌شناخت، حقی برای ذی‌نفعان قائل نمی‌شد. به باور دادگاه‌ها، تعهدات مالک جدید صرفاً جنبه اخلاقی داشته و وی قانوناً ملزم به انتقال منافع و عواید نبوده است.[۲۴] در اثر ازدیاد این موارد و مراجعهٔ اشخاص به پادشاه، او این دست امور را به لرد چنسلر[۲۵] ارجاع داد تا وی بنابر عدل و انصاف به این شکایات رسیدگی کند. لرد در رسیدگی خود تابع مقررات کامن‌لا نبود و چون اقدام مالک جدید زمین را برخلاف عدالت می‌دید، بی‌آنکه مالکیت قانونی او را انکار کند، با استفاده از ظرفیت نهاد «یوز»،[۲۶] مالک را طبق صلاحدید خود ملزم به ادای حقوق ذی‌نفع می‌نمود.[۲۷] با گسترش این دست موارد، پرونده‌ها مستقیماً از سوی لرد چنسلر مورد رسیدگی قرار گرفت. به‌تدریج در عرض محاکم کامن‌لا، محاکمی موسوم به محاکم چنسری (سلطنتی)[۲۸] زیر نظر وی در حقوق انگلستان

---

۲۲. DJ. Hayton, *The Law of Trust*, (London: Sweet & Maxwell, 1st ed, 1990), p. 10.

۲۳. "to the use of"

۲۴. ویدا شفقتی هشجین، *مطالعهٔ تطبیقی نهاد وقف در حقوق ایران و تراست در حقوق انگلیس*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۹، ص ۳۴.

۲۵. Lord Chancellor

۲۶. Use

یوز، نهادی در حقوق انگلستان در قرون چهارده و پانزده، که از آن برای انجام معاملاتی که بر مبنای کامن‌لا غیرقابل انجام بود، استفاده می‌شد. به‌وسیلهٔ یوز، مالکیت زمین قانوناً به یک شخص منتقل می‌شد، درحالی که منافع آن از سوی شخص دیگری غیر از مالک قانونی قابل بهره‌برداری بود. Philip Henry Pettit, *Equity And The Law of Trusts*. (New York: Oxford university press Inc 12th ed, 2012), pp. 12-13.

۲۷. *ibid*, p. 13.

۲۸. Courts of Chancery

شکل گرفت تا ناملایمات مقررات کامن‌لا را بر مبنای صلاحدید و مقتضیات انصاف، رفع نماید؛[۲۹] رویه و اصول حاکم بر این دادگاه‌ها، بعدها انصاف نامیده شد.[۳۰] مقررات حاکم بر تراست تا قبل از آنکه وارد قوانین موضوعهٔ انگلستان شود، از اختصاصات نظام انصاف محسوب می‌شد. به‌موجب این نظام، مالکیت قانونی[۳۱] از مالکیت واقعی یا انصافی[۳۲] منفک بوده، مالک قانونی ملزم است منافع مال را در اختیار ذی‌نفعان یعنی مالکان انصافی قرار دهد.[۳۳] به این ترتیب، نهاد تراست در حقوق انگلستان مورد پذیرش قرار گرفت. تراست، متشکل از یک دارایی یا موضوع تراست[۳۴] و سه طرف، اعم از بانی؛[۳۵] متولی[۳۶] و ذی‌نفع[۳۷] است. درصورتی که تراست با ارادهٔ صریح بانی ایجاد شود، تراست‌نامه[۳۸] سندی است که به‌موجب آن حقوق ذی‌نفعان و حقوق و تکالیف متولی جهت ادارهٔ دارایی تراست مشخص می‌شود.

۲. تراست در عصر فناوری

در عصر فناوری در ظاهر به‌نظر می‌رسد روابط ارباب و رعیتیِ عصر فئودالیسم به‌پایان رسیده است، لکن دقت نظر در بحث‌های نوظهوری چون مدیریت و حکمرانی داده مؤید تداوم این روابط است. شمار قابل‌توجهی از شهروندان در طول زندگی روزمره، گاه به صورت اختیاری و گاه قهری، وابسته به استفاده از خدمات ارائه‌شده در سکوهای مجازی مبتنی بر هوش مصنوعی یا اینترنت اشیا هستند؛ در پی این تعامل، داده‌های مختلفی از اشخاص به

---

۲۹. Samantha Hepburn, *Principles of Equity & Trusts*, (London: Cavendish Publishing 1st ed, 2001), p. 15.

۳۰. Mohamed Ramjohn, *Beginning Equity and Trusts*, (London: Taylor & Francis.1st ed, 2013), p. 16.

۳۱. Legal Ownership

۳۲. Equitable Ownership/Title

۳۳. Samantha Hepburn, *op.cit*, p .263.

۳۴. Asset /Subject Matter

۳۵. Settlor

۳۶. Trustee

۳۷. Beneficiary

۳۸. Trust Deed

روش‌های گوناگون[۳۹] اختیار اداره‌کنندگان سکوها قرار می‌گیرد. سکوها داده‌های اشخاص را جمع‌آوری کرده، در اختیار کارگزاران داده[۴۰] برای فروش، ادغام یا پردازش به‌منظور استفاده در اهداف مختلف تجاری، تبلیغاتی، علمی و... قرار می‌دهند. در این فرایند، اشخاصی که داده‌ها مبیّن حالات، صفات و... ایشان است، کنترلی بر سرنوشت داده‌های خود ندارند؛ بلکه غول‌های فناوری که مالکان سکوها محسوب می‌شوند، شیوه، دامنه و اهداف جمع‌آوری و نیز انتقال و پردازش داده را تعیین نموده، در سندی موسوم به سیاست حریم خصوصی[۴۱] به تأیید کاربران می‌رسانند. کاربران که عموماً از مفاد این موافقت‌نامهٔ الحاقی آگاه نمی‌شوند،[۴۲] تنها در صورت اعلام رضایت نسبت به موافقت‌نامهٔ یادشده، می‌توانند از خدمات انحصاری یا شبه انحصاری سکوها بهره‌مند شوند؛ درغیر این‌صورت، کاربر می‌بایست به‌کلی از آن خدمات صرف‌نظر کنند.[۴۳]

در این ساختار، میان شهروندان و غول‌های فناوری و نیز دیگر اشخاص ثالث که داده‌ها را در اختیار می‌گیرند، پیرامون کنترل و تصمیم‌گیری نسبت به داده‌ها عدم توازن غیرقابل انکاری وجود دارد؛[۴۴] به‌طوری که ادعا شده، یک الیگارشی[۴۵] دیجیتال بر حکمرانی و مدیریت داده حاکم است؛[۴۶] به این معنا که اقلیت حاکمی مانند فئودال‌های قرون وسطایی وجود دارند که کنترل و تصمیم‌گیری راجع به داده‌ها را در اختیار می‌گیرند و در مقابل، شهروندان نقش رعیت را ایفا می‌کنند. سکوها متعلق به فئودال‌ها بوده، داده‌های اشخاص که از طریق سکوها جمع‌آوری می‌شوند، طبق صلاحدید مالکان سکو مورد پردازش و استفاده قرار می‌گیرند. این عدم توازن قدرت که از انحصار سکوهای خدمات در دست

---

۳۹. باقر انصاری و همکاران، *حقوق داده‌ها و هوش مصنوعی*، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۱، ۱۴۰۰)، صص ۷۱ و ۱۹۴.

۴۰. Data Broker

۴۱. Privacy Policy

۴۲. Anouk Ruhaak, Data Trusts: Why,What and How, <medium.com/@anoukruhaak/data-trusts-why-what-and-how-a8b53b53d34>

۴۳. Element AI & Nesta Report, Data Trusts A New Tool for Data Governance, p. 13. <hello.elementai.com/data-trusts.html>

۴۴. *Ibid*, p. 13.

۴۵. Oligarchy

۴۶. *Ibid*, p. 13.

غول‌های فناوری ناشی می‌شود، حفاظت از داده‌های شخصی را با چالش جدی مواجه می‌سازد.

برای غلبه بر این چالش، اتخاذ رویکردی جدید نسبت به حکمرانی داده که در آن شهروندان بی‌دفاع در مقابل توان و اختیار بی‌حدوحصر مالکان سکو قرار نگیرند، چاره‌ساز است. شیوهٔ سنتی تنظیم‌گری که در آن نهاد تنظیم‌گر الزاماتی را پیش‌بینی نماید و برای تخطی از الزامات، ضمانت اجرا مقرر نماید، پاسخگوی نیازهای حوزهٔ فناوری‌های دیجیتال نخواهد بود. پیشرفت بی‌وقفهٔ فناوری و همچنین ضرورت انعطاف‌پذیری مقررات در برابر تغییرات به‌منظور تضمین نوآوری، ساختار و شیوهٔ تنظیم‌گری متناسب را می‌طلبد. در مقابل شیوهٔ سنتی پیش‌گفته، الگوی تنظیم‌گری به روش پیش‌دستانه[۴۷] وجود دارد که به‌موجب آن، با مشارکت حداکثری ذی‌نفعان، مقررات حاکم بر فناوری‌ها با پیش‌بینی آینده و لحاظ تغییرات و نوآوری‌های فناوری تنظیم می‌شود.[۴۸] در این شیوه، نهاد تنظیم‌گر با استفاده از ظرفیت‌هایی چون طراحی مدل‌های آزمایشی و ایجاد انگیزه و مشوق برای فناوران، هم اهداف نظارتی و تنظیم‌گری را به‌پیش می‌برد و هم در فرایند شکل‌گیری نوآوری‌ها نقش فعال داشته، تاحدی به آن جهت می‌دهد.[۴۹] ساختار تراست داده که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، مصداقی از تنظیم‌گری به روش پیش‌دستانه است. این ساختار از طریق پیش‌بینی موقعیت‌های تزاحم منافع در چرخهٔ فرایندهای مرتبط با داده، از تمرکز سرمایهٔ عظیم داده‌ها در دست عده‌ای محدود از ذی‌نفعان پیشگیری می‌کند و پیش از آنکه داده‌های کاربران مورد سوءاستفاده قرار گیرد، مدیریت و کنترل آن را از انحصار خارج می‌سازد.

نخستین بار به گفتهٔ نیل لارنس،[۵۰] استاد دانشگاه کمبریج در حوزهٔ یادگیری ماشین، در میانهٔ بحث میان او و جاناتان پرایس[۵۱] عنوان تراست داده در سال ۲۰۱۵ مطرح شد.[۵۲] این

---

۴۷ Anticipatory Regulation

۴۸ *Ibid*, p. 12.

۴۹ Nesta Anticipatory Regulation, <https://www.nesta.org.uk/feature/innovation-methods/anticipatory-regulation>

۵۰ Neil Lawrence

۵۱ Jonathan Price

۵۲ Neil Lawrence, Data Trusts, < inverseprobability.com/2016/05/29/data-trusts#fn:origin>

عنوان به‌طور دقیق‌تر در سال ۲۰۱۶ در یادداشت لارنس پیرامون قرارداد میان آزمایشگاه دیپ‌مایند گوگل[۵۳] و بنیاد سلطنتی سلامت بریتانیا[۵۴] در خصوص اشتراک‌گذاری داده‌های ۱/۶ میلیون نفر از مردم انگلستان به‌کار برده شد. در این یادداشت، جمع‌آوری داده‌های بیماران و استفاده از آنها برای تحقیقات علمی بدون اطلاع ایشان به‌موجب قرارداد یادشده، مورد نقد واقع شد.[۵۵] البته به‌نظر می‌رسد که پیش از نیل لارنس، لیلیان ادواردز[۵۶] در سال ۲۰۰۴ اصطلاح تراست داده را به‌کار برده بود.[۵۷] با این حال، مراد او با آنچه لارنس بیان داشته است، تفاوت فراوانی دارد. به این تفاوت در مباحث بعدی خواهیم پرداخت.

تراست داده، الگویی برای حکمرانی داده است که نحوهٔ استفاده و اشتراک‌گذاری داده‌ها را مدیریت می‌کند. اینکه چه اشخاصی و تحت چه شرایطی بتوانند به داده‌ها دسترسی داشته باشند و چه اشخاصی می‌توانند شرایط دسترسی به داده‌ها را تعیین کنند، به‌وسیلهٔ این الگو تعیین می‌شود.[۵۸] در این ساختار، یک رابطهٔ امانت‌داری میان متولیان و اشخاص ذی‌نفع از داده‌ها شکل می‌گیرد. هدف از این رابطه، استیفای حقوق اشخاص ذی‌نفع در قبال داده‌های ایشان و همچنین، ایجاد مسئولیت برای متولیان در برابر ذی‌نفعان است. این ساختار سبب می‌شود که در چارچوبی حقوقی، فنی و سیاست‌گذارانه، زمینه برای مذاکرهٔ جمعی برای تسهیل استفادهٔ ایمن از داده فراهم آید.[۵۹]

۳. ارکان تراست داده

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، تراست متشکل از اجزای چهارگانه است: دارایی تراست،

---

۵۳. Google Deep Mind

۵۴. Royal Free Hospital Trust

۵۵. *Ibid*, inverseprobability.com/2016/05/29/data-trusts#fn:origin

۵۶. Lilian Edwards

۵۷. Lilian Edwards, The Problem With Privacy–A Modest Proposal, <hdl.handle.net/1842/2110>

۵۸. Bianca WylieSean & Martin McDonald, What Is a Data Trust? <cigionline.org/articles/what-data-trust/.>

۵۹. Neil Lawrence & Seongtak Oh, Enabling Data Sharing for Social Benefit Through Data Trusts, p. 52,<https://gpai.ai/projects/data-governance/data-trusts/#:~:text=This%20project%20was%20established%20to,interests%20of%20all%20in%20society>

بانی، متولی و ذی‌نفع. در بحث حاضر، هدف اصلی، تطبیق نهاد تراست داده به‌عنوان سازوکاری برای مدیریت داده‌ها با نهاد تراست سنتی در حقوق کامن‌لا است. اینکه تا چه حد ساختار پیشنهادی ظرفیت انطباق با مختصات تراست را دارد، موضوع اصلی این بخش را به خود اختصاص می‌دهد.

۳.۱. موضوع تراست داده

ساختار تراست از لحاظ موضوع نسبتاً آزاد و منعطف است؛[۶۰] چنان‌که هر مال یا حق مالی یا هر تعهدی می‌تواند مورد تراست واقع شود.[۶۱] در الگوی تراست داده، داده‌ها موضوع تراست قرار می‌گیرند. داده‌ها، نمادهایی خام از واقعیت هستند که ویژگی‌های اشیا و رویدادها را توصیف می‌نمایند و داده‌های دیجیتال مجموعه‌ای از صفر و یک‌ها است که با مبنای دودوییِ (باینری) کامپیوتر قابل تفسیر بوده، می‌تواند پیامی را منتقل نماید.[۶۲] داده‌ها از حیث مالکیت به دو دستهٔ داده‌های عمومی[۶۳] و خصوصی[۶۴] تقسیم می‌شوند. داده‌های عمومی یا به دولت (بخش عمومی) تعلق دارند یا در اختیار دولت هستند، مانند داده‌های مربوط به مؤسسات عمومی و دولتی. در مقابل داده‌های خصوصی، داده‌هایی هستند که یا به اشخاص خصوصی تعلق دارند و یا در اختیار آنان هستند.[۶۵] از این حیث داده‌های خصوصی به اعتبار موضوعشان به دو دستهٔ داده‌های شخصی[۶۶] و غیرشخصی[۶۷] قابل تقسیم‌اند. منظور از داده‌های شخصی هرگونه اطلاعات راجع به یک شخص حقیقیِ (موضوع داده) شناسایی‌شده یا قابل‌شناسایی است؛[۶۸] در مقابل، هر دادهٔ خصوصی که شخصی محسوب نشود، غیرشخصی است؛ خواه از این جهت که راجع به شخص حقیقی نباشد، یا از این نظر

---

۶۰. Jeremiah Jia Jun Lau, et al. "The Basics of Private and Public Data Trusts" NUS Law Working Paper No. 019 (2019), p. 14.

۶۱. Philip Henry Pettit, *op.cit*, p. 51.

۶۲. باقر انصاری و همکاران، پیشین، صص ۶۸-۶۹.

۶۳. Public Data

۶۴. Private Data

۶۵. همان، ص ۷۷.

۶۶. Personal Data

۶۷. Non-Personal Data

۶۸. Article1(1) GDPR

که قابلیت شناسایی شخص حقیقی را نداشته باشد.

به هر روی، اینکه داده بتواند موضوع تراست واقع شود، با سه اشکال اصلی روبه‌رو است:

نخست اینکه داده، مال شمرده نمی‌شود؛ چراکه تنها حقوق مالی می‌توانند موضوع تراست واقع شوند[۶۹] و درنتیجه داده نمی‌تواند موضوع تراست باشد. در توجیه این باور، گفته می‌شود که یکی از شروط مالیت یک شیء، قابلیت اختصاص و به معنای دیگر قابلیت تملک آن است. اگر چیزی قابلیت اختصاص به شخص یا اشخاص معین را نداشته باشد، نمی‌توان آن را مال دانست؛ بنابراین، داده‌ها ازآنجا که ماهیتاً به کالاهای عمومی[۷۰] (غیررقابتی و تخصیص‌ناپذیر) شباهت دارند، قابل اختصاص نبوده، مال محسوب نمی‌شوند.[۷۱] به‌علاوه، داده‌ها اشیای ملموس نیستند و نمی‌توانند موضوع حقوق مالی همچون حق عینی قرار گیرند؛ بنابراین نمی‌توانند موضوع تراست واقع شوند.[۷۲]

در مقابل می‌توان گفت که ملاک مالیت داشتن یک شیء، ارزش اقتصادی در عرف است؛ با لحاظ این موضوع و با توجه به اینکه امروزه ارزش و نفع اقتصادی داده غیرقابل انکار است (چنان‌که به آن لقب نفت و طلای جدید داده‌اند)؛[۷۳] تردید در مالیت آن روا نیست. مادامی که مجموعه‌ای از داده که از سوی یک شخص تولید شده، منتشر نشده است، او نسبت به داده‌ها این حق را دارد که دسترسی و کپی‌برداری از آن را کنترل نماید. این نفع و حق قانونی، به مجموعهٔ داده‌ها ارزش اقتصادی می‌دهد و او را قادر می‌سازد تا بهره‌برداری تجاری از سوی دیگران را کنترل کند.[۷۴] همین ارزش اقتصادی برای مال دانستن داده کافی است. به‌علاوه، داده‌ها ممکن است در عمل و به صورت بالفعل، تحت تملک شخصی نباشد، اما قابلیت تملک دارند و همین امر برای مال دانستن داده کفایت می‌کند.

---

۶۹. Jeremiah Jia Jun Lau, et al. *op.cit*, p. 8.

۷۰. Public Goods

۷۱. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, "Bottom-up Data Trusts: Disturbing the'one Size Fits All'approach to Data Governance", International Data Privacy Law, (2019), p. 245.

۷۲. *Ibid*, p. 245.

۷۳. Václav Janeček, "Ownership of Personal Data in the Internet of Things", The Computer Law & Security Review, 34, (2019), p. 13.

۷۴. Chris Reed & Pinsent Masons, *op.cit*, p. 10.

در هر حال، حتی اگر داده‌ها به سبب عمومی بودن، جزء مشترکات عمومی تلقی و درنتیجه غیرقابل تملک شمرده شوند، همین که مجموعه‌ای از داده‌ها (ی شخصی یا غیرشخصی) در اختیار شخصی قرار دارد، سبب ایجاد امتیاز در دسترسی برای او شده و وی را بر دیگران مقدم می‌سازد. همین امتیاز[۷۵]حقی است که ارزش اقتصادی دارد، ولو آنکه متعلق این حق قابل تملک نباشد. از همین رو گفته شده، این دسترسی ممتاز[۷۶]مورد حمایت حقوق و قانون است و همین برای آنکه داده بتواند موضوع تراست محسوب گردد، کافی است.[۷۷]

در مورد لزوم ملموس بودن، باید توجه داشت که در حقوق انگلستان که تراست سنتی ریشه در آن دارد، برخلاف حقوق کشورهایی مانند آلمان و ایتالیا تفاوت زیادی بین اموال ملموس و غیرملموس، حتی میان یک مال و یک تعهد و یا قرارداد، وجود ندارد.[۷۸]در نتیجه گفته شده، موضوع تراست شامل هر دارایی قابل معامله‌ای اعم از مادی و غیرمادی می‌شود؛ حتی در برخی پرونده‌ها حساب بانکی به‌عنوان دارایی پذیرفته شده است.[۷۹]

اشکال دوم آن است که حقوق مالکانه بر داده، قابل اعمال نیست. یکی از مهم‌ترین حقوق مالکانه، حق بر انحصار یا ممانعت از تصرف اشخاص دیگر است؛[۸۰]یعنی شخص بتواند مانع تصرف دیگران در مال شود و این درحالی است که داده‌ها ذاتاً انحصارناپذیر و غیررقابتی هستند؛ به این معنا که استفادهٔ یک شخص نه مانع استفادهٔ دیگران شده، نه از منفعت دیگران می‌کاهد.[۸۱]داده‌های یک شخص ممکن است از او سرقت شود یا او خود،

۷۵. این امتیاز را می‌توان با حق سَبق یا اختصاص در حقوق داخلی مقایسه نمود که سبب اولویت شخص نسبت به اشیا یا اموال و مشترکات عمومی یا غیرعمومی می‌شود و این علقه و رابطه مانع تعرض یا تصرف اشخاص نسبت به آن شیء است. محمدجعفر جعفری لنگرودی، *فرهنگ عناصرشناسی*، (تهران: گنج دانش، چ ۲، ۱۳۹۸)، صص۴۰-۴۱.

۷۶. Privileged Access

۷۷. Jeremiah Jia Jun Lau, et al. *op.cit*, p. 9.

۷۸. Sarah Worthington, Data Ownership, Rights and Controls: Reaching a Common Understanding, p. 12, <https://royalsociety.org/~/media/policy/projects/data-governance/data-ownership-rights-and-controls-October-2018.pdf>.

۷۹. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 245.

۸۰. Andreas Boerding, et al., "Data Ownership-A Property Rights Approach from a European Perspective", Journal of Civil Law Studis, 2 (2018), p. 359.

۸۱. فرهاد پروین و شیما عطار، «حقوق اتحادیه اروپا و چالش شناسایی حق مالکیت بر داده در عصر اقتصاد دیجیتال»، حقوقی

آنها را به دیگری منتقل نماید و در عین حال هنوز داده‌ها را در اختیار داشته باشد؛[۸۲] در نتیجه، مالک نمی‌تواند جنبهٔ منفی تسلیط خود (انحصار) را بر داده اعمال نماید. به‌علاوه، از حیث جنبهٔ مثبت نیز باید گفت که حق مالکیت که دارای اوصافی چون مطلق و دائمی بودن است، برای مالک امتیازاتی ایجاد می‌کند؛ مانند حق بر استعمال، انتفاع، و اخراج از مالکیت و این درحالی است که این امتیازات در مورد داده‌ها به‌طور کامل صدق نمی‌کند.[۸۳]

پاسخ نقضی بر این مدعا، مالکیت اموال فکری است. این دارایی‌ها نیز به سبب آنکه غیرقابل انحصار و غیررقابتی هستند با ایراد یادشده مواجه‌اند؛ مضافاً اینکه در این دست دارایی‌ها نیز دارندهٔ حق نمی‌تواند هرگونه انتفاع و بهره‌برداری را که می‌خواهد به‌عمل‌آورد.[۸۴] با این حال، در حقوق انگلستان[۸۵] و حتی حقوق ایران[۸۶] مالکیت بر دارایی‌های فکری تا حدی پذیرفته‌شده و با تجویز قانون، حقوق مالکانه ایجاد شده است. افزون بر این، دارایی‌های فکری در حقوق انگلستان مانند سایر دارایی‌ها موضوع نقل‌وانتقال و تراست واقع می‌شوند؛[۸۷] بنابراین، نمی‌توان این ایراد را از این حیث به داده‌ها وارد نمود. همان‌طور که قانون حقوقی را در خصوص دارایی‌های فکری به‌رسمیت می‌شناسد، مقررات حفاظت از داده در خصوص برخی از گونه‌های داده (به‌طور خاص داده‌های شخصی) حقوقی را به اشخاص موضوع داده اختصاص می‌دهد که می‌تواند حاوی جنبه‌های مالکانه باشد؛[۸۸] حقِ محدود کردن پردازش؛[۸۹] اعتراض[۹۰] و پاک کردن و فراموشیِ[۹۱] موضوع مواد ۱۸، ۲۱ و ۱۷ مقررهٔ

بین‌المللی، ش ۶۵ (۱۴۰۰)، ص ۲۸۷.

۸۲. British Academy, Royal Society and Tech UK, Data Ownership, Rights and Controls: Reaching a Common Understanding Discussions, p. 6. <https://royalsociety.org/~/media/policy/projects/data-governance/data-ownership-rights-and-controls-October-2018.pdf>

۸۳. باقر انصاری و همکاران، پیشین، ص ۲۰۹.

۸۴. James Y. Stern, "What is the Right to Exclude and Why Does it Matter?", Edited by M.H. Otsuka & J.E.Penner, Cambridge University Press,(2018), p. 42.

۸۵. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 245.

۸۶. سید حسن میرحسینی، *حقوق مالکیت معنوی*، (تهران: نشر میزان، چ ۵، ۱۳۹۴)، صص۳۶-۳۸.

۸۷. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 245.

۸۸. *Ibid*, p. 246.

۸۹. Right to Restriction of Processing

۹۰. Right to Rectification

عمومیِ حفاظت از دادهٔ اتحادیهٔ اروپا، حاوی جنبهٔ منفی تسلیط یعنی همان کنترل، انحصار و ممانعت از تصرف دیگران است.

در بُعد دیگر، حق دسترسی[۹۲] به داده برای شخص موضوع داده و نقل و انتقال[۹۳] آن، موضوع مواد ۱۵ و ۲۰، مبیّن جنبهٔ مثبت تسلیط، یعنی تصرف و بهره‌برداری است.[۹۴] با این حال، باید توجه داشت که امکان به تراست نهادن یک دارایی در حقوق کامن‌لا، منوط بر مالکیت آن نیست، بلکه هر حقی که جنبهٔ مالی و اقتصادی دارد، مانند حقوق دینی یا حقوق انحصاری چون حق بر علامت تجاری می‌تواند دارایی تراست باشد.[۹۵] از این منظر گفته شده است، برخی از حقوق اساساً قابلیت در تراست نهادن را ندارند، مانند حق رأی یا حق بر انتخاب همسر، اما سایر حقوقی که جنبهٔ مالی دارد با ایرادی مواجه نیستند.[۹۶] البته باید توجه داشت که قابلیت انتقال یک حق نیز در تحقق تراست شرط نخواهد بود و حقوقی که قابل انتقال نیستند نیز می‌توانند در تراست از سوی متولی اداره شوند؛[۹۷] چراکه انتقال دارایی به‌موجب تراست یک انتقال حقیقی نیست.

اشکال سوم آن است که یکی از شروط اساسی دارایی تراست، قابلیت شناسایی و تعیین آن است؛[۹۸] بنابراین، اگر معلوم نباشد چه مالی در تراست قرار داده شده، تراست باطل است. با توجه به این نکته، از حیث فنی این اشکال وارد است که که گاهی برخی از داده‌ها به بیشتر از یک نفر تعلق دارند؛[۹۹] داده‌های ژنتیکی یک شخص نیز در عین حال، داده‌های شخصی اعضای خانوادهٔ او نیز محسوب می‌شود[۱۰۰]؛ یا داده‌های مربوط به تماس‌ها، مکالمات، واریز وجوه و... . از سوی دیگر اینکه یک داده، شخصی به‌حساب آید، با توجه به

---

۹۲. Right to Erasure (Right to be Forgotten)
۹۳. Right to Access
۹۴. Right to Portability
۹۵. Andreas Boerding, et al. *op.cit*, pp. 331, 359.
۹۶. Jeremiah Jia Jun Lau, et al. *op.cit*, p. 13.
۹۷. *Ibid*, p. 13.
۹۸. *Ibid*, p. 14.
۹۹. Philip Henry Pettit, *op.cit*, p. 51.
۱۰۰. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 245.
۱۰۱. British Academy, Royal Society and Tech UK, *op.cit*, p. 6.

اینکه معیار دادهٔ شخصی، شناسایی یا قابلیت شناسایی یک شخص است، متغیر خواهد بود. یک داده ممکن است صرفاً در یک بستر و در کنار دیگر داده‌های جمع‌آوری‌شده موجب شناسایی یک شخص حقیقی گردد[۱]؛ از این لحاظ، در فرضی که داده‌های شخصی فردی دارایی تراست را تشکیل دهد، معین بودن موضوع تراست می‌تواند به چالش کشیده شود. با این حال، به‌نظر می‌رسد این اشکالات بیشتر جنبهٔ فنی داشته، در مورد هر سازوکاری که بخواهد با رضایت شخص داده‌های او را مدیریت کند، وجود دارد. از این حیث هر تراست می‌تواند به‌طور مشخص حدود و ثغور داده‌های موضوع تراست را معین نماید و یا مدیریت داده‌هایی را که با اشخاص ثالث ارتباط پیدا می‌کنند منوط به کسب رضایت یا الحاق ایشان به تراست نماید.

۳.۲. اطراف تراست داده

همان‌طور که گفته شد، بانی، متولی و ذی‌نفع، اطراف یک تراست را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، اشخاص ثالث نیز که خارج از ساختار تراست هستند، با آن در تعامل خواهند بود.

۳.۲.۱. بانی

در تراست داده، مانند سایر اقسام تراست، بانی شخصی است که یا مالک دارایی تراست است و یا از سوی مالک، إذن و مجوز لازم را دارد.[۲] صرف نظر از اختلاف نظرها در مورد مالکیت داده، اشخاص موضوع داده در داده‌های شخصی، همچنین تمامی اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی که به سبب گردآوری داده‌های غیرعمومی، دارای حق محسوب می‌شوند، می‌توانند اصالتاً بانی تراست باشند. افزون بر این، اشخاص حقیقی یا حقوقی که به‌موجب یک قرارداد مانند موافقت‌نامهٔ حریم خصوصی، مأذون در اشتراک‌گذاری داده در تراست‌ها باشند، ممکن است نیابتاً بانی محسوب شوند.

بانی یا بانیان تراست داده در تراست صریح، از اختیار عمل در جهت تعیین شروط

---

۱. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 247.

۲. Philip Henry Pettit, *op.cit*, p. 51.

تراست‌نامه و نصب متولی برخوردار بوده، متولی موظف است برای همیشه شروط تراست را همان‌طور که بانی مقرر کرده است، اجرا نماید.[۱۰۳] همچنین، بانی، ذی‌نفع یا ذی‌نفعان داده و اهداف تراست را مشخص می‌نماید. باید توجه داشت که پس از ایجاد تراست، بانی درصورتی که داخل در ذی‌نفعان نباشد، هیچ حق قانونی نسبت به دارایی تراست ندارد؛ همچنین، او حق هیچ‌گونه دخالت در تراست را نخواهد داشت، مگر آنکه خود متولی باشد.[۱۰۴]

۳.۲.۲. متولی

در ساختار تراست داده به‌طور معمول سکوها به‌عنوان متولیان ضمنی تراست معرفی می‌شوند؛[۱۰۵] در این حالت همین که سکویی مانند فیس‌بوک داده‌های شخصی کاربران را جمع‌آوری می‌کند، بین کاربر و سکو تراستِ ضمنی شکل می‌گیرد؛[۱۰۶] با این حال، شکل‌گیری تراست به صورت ضمنی موضوعیت ندارد، بلکه ممکن است موافقت‌نامهٔ حریم خصوصی میان کاربر و سکو صریحاً مبین ایجاد یک تراست باشد یا از کاربران برای ایجاد یک تراست در آینده کسب إذن کند. در تمامی این حالات، متولی سکوها هستند که مالکان جدید داده محسوب شده، بر مبنای توافق با کاربران به‌عنوان بانیان صریح یا ضمنی، داده‌ها را مدیریت می‌کنند.[۱۰۷]

این رویکرد به متولیان تراست داده، مصون از ایراد نمانده است. متولی تراست موظف به اداره و اعمال حقوق اشخاص نسبت به داده‌های آنها و ملزم به انجام وظایف امانت‌داری[۱۰۸] است. او می‌بایست در تمامی اقدامات، مصالح عالیهٔ ذی‌نفعان[۱۰۹] را درنظر داشته باشد[۱۱۰] و با

---

۱۰۳. Element & Nesta Report, *op.cit*, p. 23.

۱۰۴. Samantha Hepburn, *op.cit*, p. 264.

۱۰۵. Lilian Edwards, *op.cit*, p. 327.

۱۰۶. Carl Ohman & Nikita Aggarwal, "What if Facebook Goes Down? Ethical and Legal Considerations for the Demise of Big Tech". Internet Policy Review, 9 (2020), p. 12.

۱۰۷. نظریهٔ دیگری که در خصوص حکمرانی داده‌ها ارائه شده، نظریهٔ امینان اطلاعات (Information Fiduciaries) است که بر اساس آن، بدون استفاده از ظرفیت تراست، هر شخصی که داده‌ها و اطلاعات دیگران را از آنان دریافت می‌نماید، امین محسوب شده، وظیفهٔ امانت‌داری دارد. Jack M.Balkin, Information Fiduciaries and the First Amendment. UC Davis Law Review. 49 (4), (2016), P.1205.؛ درست مثل پزشکان نسبت به اطلاعات بیماران.

۱۰۸. Fiduciary Duties

۱۰۹. The Best Interests of the Beneficiary

صداقت و وفاداری کامل طبق شروط تراست عمل نماید.[۱۱۱] باید خاطرنشان نمود که وظیفهٔ امانت‌داری در حقوق کامن‌لا تعهدی متفاوت با وظیفهٔ مراقبت[۱۱۲] است. در مورد اخیر، شخص موظف است طبق رفتار یک انسان متعارف با حقوق و اموال دیگران رفتار نموده، سبب ورود خسارت قابل پیش‌بینی نشود، وگرنه مسئول خواهد بود. اما وظیفهٔ امانت‌داری تعهدی سنگین‌تر است که بر مبنای آن شخص متولی یا امین موظف است اثبات نماید که طبق شرایط تراست و در راستای اعمال حقوق ذی‌نفعان با صداقت، شفافیت، احتیاط و بی‌طرفی عمل نموده است؛ درغیر این‌صورت، متولی در قبال ذی‌نفعان مسئول هرگونه خسارت خواهد بود. بنابراین، بار اثبات در این دو تعهد متفاوت است.[۱۱۳]

متولی دانستن سکوها از این جهت که آنها را در موقعیت تزاحم منافع قرار می‌دهد مورد انتقاد قرار گرفته است.[۱۱۴] ایجاد وظیفهٔ امانت‌داری برای سکو موجب می‌شود که سکو و مدیرانش که وظیفهٔ کسب سود حداکثری در مقابل سهام‌داران را دارند، در عین حال وظیفهٔ امانت‌داری نسبت به کاربران خود را نیز پیدا نمایند. این دو وظیفه از این طریق در تزاحم با یکدیگر واقع می‌شوند که بخش اعظم درآمد سکوها از طریق ادغام عمودی داده‌های کاربران در جهت استفاده برای هدف‌گذاری‌های تبلیغاتی است.[۱۱۵] به‌طور خاص گفته شده است که فیس‌بوک معادل ۹۸٫۵ درآمد خود را از تبلیغات به دست می‌آورد.[۱۱۶] حال اگر خود سکوها موظف به حفظ حقوق کاربران (مانند حق حذف، اصلاح، محدود ساختن، و انتقال) در خصوص داده‌ها باشند و بخواهند با وفاداری کامل این وظیفه را انجام دهند، می‌بایست سود و منافع سهام‌داران خود را نادیده بگیرند.[۱۱۷]

---

۱۱۱. Samantha Hepburn, *op.cit*, p. 265.

۱۱۲. Element & Nesta Report, *op.cit*, p. 14.

۱۱۳. Duty of Care

۱۱۴. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, pp. 241-242.

۱۱۵. *Ibid*, pp. 241-242.

۱۱۶. Singh Spandana, The Role of Data in the Targeted Advertising Industry. <https://www.newamerica.org/oti/reports/special-delivery/the-role-of-data-in-the-targeted-advertising-industry>

۱۱۷. Carl Ohman & Nikita Aggarwal, *op.cit*, p. 9.

۱۱۸. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 241.

این اشکالات موجب شده است تا برخی از نویسندگان پیش‌بینی شخص ثالث مستقل را به‌عنوان متولی تراست داده ضروری بدانند؛[۱۸] در این دیدگاه، بانیان این اختیار را دارند که داده‌های خود را در قالب یک تراست صریح با شروطی که خود تعیین می‌کنند، به متولیِ مستقل بسپارند.[۱۹] در این حالت، متولی شخص مستقلی است که در میان بازیگران و ذی‌نفعان جریان داده در ساختار فعلی (پیش از پذیرش تراست داده) وجود ندارد؛ به این معنا که غول‌های فناوری جمع‌آوری داده و نیز اشخاص ثالث که از داده برای اهداف مختلف بهره می‌گیرند، بدان جهت که خود ذی‌نفع محسوب می‌شوند، متولی تراست نخواهند بود، بلکه متولی شخص حقیقی یا حقوقی است که صرفاً جهت ادارهٔ حقوق بانیان نسبت به داده‌هایشان، وارد جریان داده می‌شود.

صرف‌نظر از اینکه چه کسی متولی تراست باشد، بر مبنای قواعد تراست، مالکیت دارایی (حقوق قابل استیفا) به متولی منتقل می‌شود.[۲۰] با این حال، باید توجه داشت که متولی حق استفاده از دارایی را برای خود ندارد. برای همین، دیون متولی از محل تراست قابل استیفا نیست.[۲۱] امتیاز ویژهٔ نهاد تراست که نویسندگان عصر حاضر را به سمت اتخاذ آن برای حکمرانی داده سوق می‌دهد، ایجاد وظیفهٔ امانت‌داری برای استیفای حقوق اشخاص نسبت به داده‌ها است. افزون بر این، تراست این امکان را برای متولیان فراهم می‌کند که حقوق کاربران نسبت به داده را در مقابل تمامی اشخاص محافظت نماید؛ خواه شخص یادشده طرف قراردادی مانند موافقت‌نامهٔ حریم خصوصی باشد و خواه ثالثی باشد که هیچ ارتباط و قراردادی با کاربر نداشته است؛ از این منظر، تراست داده بر رویکردهای قراردادی صرف بر حکمرانی داده برتری دارد.[۲۲]

۳.۲.۳. ذی‌نفع

ذی‌نفع هر تراست داده، شخص یا اشخاص هستند که از سوی بانی به صورت صریح یا

---

۱۸. *Ibid*, p. 241.
۱۹. *Ibid*, p. 241.
۲۰. Jeremiah Jia Jun Lau, et al. *op.cit*, p. 16.
۲۱. Lilian Edwards, *op.cit*, p. 326.
۲۲. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 242.

ضمنی تعیین می‌شوند و متولی موظف است دارایی تراست یعنی حقوق مرتبط با داده را در جهت منافع آنان مدیریت نماید. در رویکردی که شخص ثالث مستقل را متولی می‌داند، معمولاً خودِ بانیان تراست (اشخاص موضوع داده) ذی‌نفعان تراست هستند.[۱۲۳] در فرض دیگر که سکوها متولی تراست باشند، خود سکو در توافق‌نامهٔ حریم خصوصی، اهداف تراست و ذی‌نفعان آن را مشخص می‌نماید. در این شرایط اشخاص موضوع داده علی‌القاعده همچنان ذی‌نفع تراست هستند. با این حال، خود سکو یا دیگر اشخاص ثالثی که برای پردازش یا استفاده از داده‌ها، طرف قرارداد سکو قرار می‌گیرند نیز ممکن است داخل در ذی‌نفعان شوند.

در نوشته‌های حقوقی مرتبط، پیرامون ذی‌نفعان پیشنهادی در تراست داده، دو اشکال وارد شده است. نخست آنکه یکی از اهداف شکل‌گیری تراست داده، جلب و حفظ منافع عمومی است؛ درحالی که در حقوق کامن‌لا، تراست در راستای حفظ حقوق ذی‌نفعان مشخصی شکل می‌گیرد و منافع عموم، جز از طریق تراست خیریه[۱۲۴]حاصل نمی‌شود. تراست خیریه نیز مصادیق محدودی دارد و اهدافی را که تراست‌های داده برای نیل به آن تشکیل می‌شود، دربر نمی‌گیرد.[۱۲۵]ایراد دوم آن است که متولی در تراست نمی‌تواند برای خود کسب سود کند و ذی‌نفع تراست باشد؛ این درحالی است که در برخی الگوهای پیشنهادی، سکوها متولی محسوب می‌شوند و بدیهی است که سکوها در جهت منافع و سود خود، داده‌ها را جمع‌آوری و اشتراک‌گذاری می‌کنند.[۱۲۶]

در پاسخ به اشکال نخست می‌توان گفت، تراست نسبت به اینکه چه کسی ذی‌نفع باشد انعطاف‌پذیر است؛ از این رو، هر تراست داده لزوماً در جهت منافع شخصی بانیان یا تعداد ذی‌نفع محدود شکل نمی‌گیرد، بلکه ممکن است گروه‌های مختلفی منحصراً یا مشترکاً ذی‌نفع تراست باشند. به‌علاوه، تراست خیریه بر مبنای قواعد حقوقی تراست سنتی تنها

---

۱۲۳. Element AI & Nesta Report, *op.cit*, p. 14.

۱۲۴. Charitable Trust

۱۲۵. Chris Reed & Pinsent Masons, *op.cit*, p. 12.

۱۲۶. *Ibid*, p. 12.

برای چهار جهت: رفع فقر، گسترش دین، آموزش، و منافع عمومی، قابل تصور است.[۱۲۷] موضوعاتی چون آموزش و منافع عمومی به‌قدری گسترده‌اند که می‌توانند اقداماتی نظیر تحقیقات پزشکی و یا استفاده از داده‌ها برای گسترش فناوری هوش مصنوعی را نیز دربر گیرند؛[۱۲۸] بنابراین این ایراد که تراست خیریه دامنهٔ محدودی دارد و با اهداف تراست‌های داده متفاوت است، وارد نیست.

در پاسخ به اشکال دوم باید توجه داشت که از حیث ساختاری، شخص می‌تواند در عین حال که متولی یک تراست است، ذی‌نفع آن نیز باشد؛[۱۲۹] مشروط بر اینکه اولاً بانی به این امر (اجتماع دو عنوان متولی و ذی‌نفع در شخص یا اشخاص واحد) تصریح نموده باشد و ثانیاً متولیان و ذی‌نفعان دو گروه کاملاً یکسان نباشند؛[۱۳۰] یعنی می‌بایست یا متولیان ترکیبی از ذی‌نفعان به همراه اشخاص دیگر باشند یا اینکه ذی‌نفعان تنها محدود به متولیان نباشند. بنابراین، در فرضی که سکوهای جمع‌آوری‌کنندهٔ داده مثل فیس‌بوک، متولی تراست هستند،[۱۳۱] مانعی وجود ندارد که سکو خود ذی‌نفع باشد. در نتیجه می‌توان تصور نمود که شخص موضوع داده، بانی تراست؛ سکو، متولی آن؛ و شخص موضوع داده و سکو در کنار هم یا به همراه اشخاص دیگر، ذی‌نفعان تراست باشند. با این همه، این اشکال تا حدی به ساختار یادشده وارد است، زیرا ایرادها راجع به تزاحم منافع شاید به قیاس اولویت در این ترکیب نیز قابل تکرار است.

به‌نظر می‌رسد، این رویکرد به تراست داده که در آن متولی شخص ثالث مستقل باشد با اهداف این نهاد سازگارتر است. در این فرض متولی نه مستقیماً (به سبب حضور در ذی‌نفعان) و نه غیرمستقیم (به سبب آنکه داده‌ها را مانند فیس‌بوک جمع‌آوری کند تا از آن بهره ببرد) نفعی در تراست ندارد. از این رو، بهتر خواهد بود که سکوها، شرکت‌های تبلیغاتی، محققان و... را داخل در ذی‌نفعان تراست ندانیم، بلکه گروهی تلقی کنیم که متولی تراست

---

۱۲۷. Jeremiah Jia Jun Lau, et al. *op.cit*, p. 18.

۱۲۸. *Ibid*, p. 18.

۱۲۹. *Ibid*, p. 5; Philip Henry Pettit, *op.cit*, p. 48.

۱۳۰. *Ibid*, p. 48.

۱۳۱. Carl Ohman & Nikita Aggarwal, *op.cit*, p. 9.

ضمن حفظ حقوق ذی‌نفعان، می‌تواند به‌عنوان اشخاص ثالث با آنها وارد مذاکره شده، زمینهٔ استفادهٔ مشروع آنان از داده‌ها را با رعایت شروط تراست‌نامه فراهم آورد.

شایان ذکر است که تنها داده‌های شخصی موضوع تراست داده واقع نمی‌شوند، بلکه اشخاص حقوقی (خصوصی) نیز می‌توانند داده‌های خود را در قالب تراست با یکدیگر اشتراک‌گذاری کنند. این نوع از تراست، اعم از آنکه بانیان آن اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند، با توجه به هدف و ذی‌نفعان آن که خود بانیان یا اشخاص معین- و نه مصارف خیریه- هستند، می‌تواند یک تراست سرمایه‌گذاری مشترک خصوصی[۱۳۲] را تشکیل دهد.[۱۳۳]

٤. رویکردهای مختلف به شکل‌گیری تراست داده

پیرامون نحوهٔ شکل‌گیری تراست داده، سه رویکرد در نوشته‌های مرتبط دیده می‌شود. ازآنجا که در نوشته‌های گوناگون برای اشاره به تمامی این نهادها، علی‌رغم اختلاف مشهود، عنوان تراست داده استفاده شده است، ما نیز با نادیده گرفتن تفاوت‌های ماهوی، تمامی رویکردها را ذیل همین عنوان بررسی می‌کنیم.

رویکرد نخست، رویکرد بالا به پایین[۱۳۴] است؛ به این معنا که تراست داده باید محصول قانون‌گذاری باشد. قانون در فرایندی که شهروندان و دیگر ذی‌نفعان داده‌ها منفعل هستند، تراست‌ها را ایجاد نموده، ساختار، اهداف و شرایط عملکرد هر نهاد را تنظیم می‌نماید. به این نوع تراست، تراست حکمی ناشی از اجرای قانون[۱۳۵] نیز گفته شده است[۱۳۶]؛ در این صورت، همان‌طور که در مقررات حفاظت از داده، حقوق اشخاص نسبت به داده‌های شخصی تعیین

---

۱۳۲ Private Joint Venture Data Trusts

۱۳۳ Jeremiah Jia Jun Lau, et al. *op.cit*, p. 15.

۱۳۴ Top-Down Approach

۱۳۵ TABOL, Trusts Arising By Operation of Law

تراست حکمی موجب نمایندگی قانونی است؛ به این معنا که اختیارات نماینده از سوی اصیل تصریح نمی‌شود، بلکه به‌موجب قانون مفروض است. زهرا ایراندوست و سید محمدهادی ساعی، «بررسی نمایندگی اضطراری در حقوق انگلستان و جایگاه آن در حقوق ایران»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۳۱ (۱۴۰۲)، ص۷۰.

۱۳۶ O'hara Kieron, Data Trusts: Ethics, Architecture and Governance for Trustworthy Data Stewardship, p. 20. <https://eprints.soton.ac.uk/428276/>

می‌شود، بانی، متولی و ذی‌نفعان تراست داده و حقوق و تکالیف هریک، صرف‌نظر از ارادهٔ اشخاص، به‌موجب قوانین و مقررات شناسایی و اجرا می‌گردد.[۱۳۷]

از مهم‌ترین ایرادات وارده به این رویکرد، عدم دخالت اشخاص حقیقی و حقوقی در فرایند ایجاد نهاد تراست است. این امر از یک سو عملیاتی شدن ایدهٔ تراست داده را دشوار ساخته است، زیرا ذی‌نفعان حقیقی این نهاد نقشی در ایجاد آن ندارند و از سوی دیگر هدف اصلی تراست داده، یعنی اعطای اختیار تعیین سرنوشت داده (جمع‌آوری، پردازش و اشتراک‌گذاری) به دارندگان حق نسبت به آن را محقق نمی‌سازد. توضیح آنکه در یک بازار آزاد، باید میان فعالان بازار توازن و تعادل وجود داشته باشد تا در نتیجهٔ این توازن، اشخاص بتوانند با تعامل با یکدیگر به سود و منفعت برسند. در شرایط فعلی، توازن مطلوب میان ذی‌نفعان داده به نفع گروهی از فعالان برهم خورده است؛ در این شرایط مداخلهٔ قانون‌گذاران در این عرصه، عدم توازن را به نفع دولت‌ها معکوس نموده، اختیار تعیین سرنوشت داده‌ها را منحصراً در سلطهٔ حاکمان قرار می‌دهد.[۱۳۸] افزون بر این، گفته شده در جهانی که هنوز آثار مقررهٔ حفاظت عمومی نتوانسته به‌طور کامل محقق شود، این رویکرد نیازمند پاره‌ای از مقرره‌گذاری‌ها است که نه‌تنها بعید، بلکه غیرمعقول به‌نظر می‌رسد.[۱۳۹]

رویکرد دیگر به تراست داده، پایین به بالا[۱۴۰] است؛ در این رویکرد، دارندگان حق نسبت به داده، در مورد تشکیل تراست داده، اهداف و شرایط آن تصمیم می‌گیرند. در نوشته‌های حقوقی سالیان اخیر، بیشتر اشارات به تراست داده از زاویهٔ این رویکرد بوده است؛ به‌طوری‌که گفته شده این مدل از تراست داده به نقطهٔ اجماع شرکت‌کنندگان در کارگاه بین‌المللی تراست‌های داده[۱۴۱] در دسامبر ۲۰۱۸ تبدیل شده است.[۱۴۲] در این رویکرد، شهروندان به‌عنوان کنشگران فعال، بعد از تأسیس تراست با اهداف مدنظر، حقوق خود

---

۱۳۷. Henry Pettit, *op.cit*, pp. 70-71.

۱۳۸. Anouk Ruhaak, *op.cit*. medium.com/@anoukruhaak/data-trusts-why-what-and-how-a8b 53b53d34

۱۳۹. O'hara Kieron, *op.cit*, p. 20.

۱۴۰. Bottom-up Approach

۱۴۱. International Workshop on Data Trusts

۱۴۲. Element AI & Nesta Report, *op.cit*, p. 15.

نسبت به داده را تا هر میزان که بخواهند به متولی تراست انتقال می‌دهند. امر پیش‌گفته این مزیت را دارد که عواید حاصل از تجارت داده، به شهروندان ذی‌نفع تراست مسترد می‌گردد. افزون بر این، با ایجاد انباشتی از داده‌ها در اختیار متولی، او در جهت منافع ذی‌نفعان، قدرت مذاکره و چانه‌زنی با غول‌های فناوری را پیدا می‌کند تا بتواند حقوق اشخاص را استیفا نماید.[۱۴۳] مزیت دیگر این رویکرد، عدم ایستایی است؛ توضیح آنکه اگر تراست‌ها به ارادهٔ شهروندان ایجاد شوند، بدون آنکه چارچوبی ازپیش تعیین‌شده تحمیل گردد، اشخاص می‌توانند مطابق نیازهای خود، تراست‌های متنوعی ایجاد نمایند؛ در این صورت طیف گسترده‌تری از سلایق و نیازها می‌توانند به تراست دادهٔ موردنظر دسترسی پیدا کنند.[۱۴۴]

با این همه، این رویکرد نیز با چالش‌هایی روبه‌رو است. اکثر اشخاص جامعه، نه از ارزش داده اطلاع کافی دارند و نه حقوق خود نسبت به داده‌ها را می‌دانند. علاوه بر این، آگاهی کافی از مزایای تراست نسبت به سایر الگوهای حکمرانی داده وجود ندارد؛[۱۴۵] این ناآگاهی‌ها مانع مشارکت اجتماعی وسیع برای ایجاد تراست‌های مستقل است. مشارکت محدود اشخاص جامعه در ایجاد تراست داده، هدف و کارکرد اصلی این نهاد را ممکن نمی‌سازد؛ متولی‌ای که تنها حقوق اشخاص محدودی را مدیریت نماید، قدرت چانه‌زنی برای منافع ذی‌نفعان تراست را نخواهد داشت.[۱۴۶] این رویکرد بدان جهت که نیازمند اقدام فعالانهٔ اشخاص موضوع داده است، بار سنگینی را بر دوش آنان می‌گذارد؛[۱۴۷] می‌بایست آگاهی اشخاص نسبت به ارزش داده و آسیب‌های وضعیت کنونی افزایش یابد تا انگیزهٔ ایجاد تراست‌های متنوع برای اهداف و سلایق مختلف ایجاد گردد و اشخاص به‌طور گسترده به آن بپیوندند.

---

۱۴۳. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 240.

۱۴۴. Element & Nesta Report, *op.cit*, p. 15.

۱۴۵. *Ibid*, p. 9.

۱۴۶. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 240.

۱۴۷. Carl Ohman & Nikita Aggarwal, *op.cit*, p. 20.

رویکرد سوم به تراست داده، رویکرد میانی[۱۴۸]است. این رویکرد، حد وسط میان دو دیدگاه قبلی است؛ زیرا در پیدایش و توسعهٔ نهاد تراست، نه بر نقش انحصاری قانون‌گذاران تکیه کرده و نه اختیار عمل را صرفاً به شهروندان داده است. پیش از ترسیم دیدگاه اخیر، لازم به توضیح است که منشأ این رویکرد گزارشی است که دولت بریتانیا در سال ۲۰۱۷ با عنوان «رشد صنعت هوش مصنوعی در بریتانیا»[۱۴۹]منتشر نمود.[۱۵۰]در این گزارش تصریح شد که مقصود از تراست داده یک نهاد حقوقی نیست، بلکه مجموعه‌ای از روابط است که بر مبنای یک چارچوب قابل تکرار، منطبق با تعهدات طرفین، برای اشتراک‌گذاری داده‌ها به‌صورت ایمن و منصفانه شکل‌گرفته است.[۱۵۱]

در گزارش پیش‌گفته، چنین پیشنهاد شده است که برای تحقق تراست داده و توسعهٔ الگوها و ابزارهای آن، سازمان حمایت از تراست داده[۱۵۲]شکل گیرد. این سازمان یک شخص ثالث مستقل بوده که درصورتی که صاحبان داده و مصرف‌کنندگان قصد ایجاد تراست داده داشته باشند، به‌طور پیش‌فرض به‌عنوان متولی تراست عمل می‌نماید. این سازمان همچنین سازوکارهایی را برای تعریف داده، رویه‌ها، اهداف و کاربردهای اشتراک‌گذاری داده و تجزیه و تحلیل آن، مکانیزم انتقال و ذخیره‌سازی داده و شرایط توزیع ارزش تجاری تولیدشده تعیین می‌نماید.[۱۵۳]نویسندگان گزارش، نهادهای تخصصی بی‌طرف مانند انجمن سلطنتی[۱۵۴]را به‌عنوان یک سازمان حمایت از تراست داده پیشنهاد داده‌اند.[۱۵۵]

هدف اصلی این رویکرد، تسهیل ایجاد تراست داده از طریق وساطت یک سازمان نیمه‌دولتی با حمایت قانون است. در ابتدای امر، این سازمان خود وظایف یک متولی داده و

---

۱۴۸. Middle-Out Approach

۱۴۹. Growing the Artificial Intelligence Industry in the UK

۱۵۰. O'hara Kieron, *op.cit*, p. 20.

۱۵۱. Dame Wendy Hall & Jérôme, Pesenti,Growing the Artificial Intelligence Industry in the UK, p. 46.<https://www.gov.uk/government/publications/growing-the-artificial-intelligence-industry-in-the-uk>

۱۵۲. Data Trusts Support Organisation

۱۵۳. *Ibid*, pp. 46-47.

۱۵۴. Royal Society, The Royal Society of London for Improving Natural Knowledge.

۱۵۵. *Ibid*, p. 46.

حتی وظایف سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری تراست داده را برعهده می‌گیرد. در صورت موفقیت در تسهیل اشتراک‌گذاری داده، این نهاد می‌تواند توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی به قانون‌گذاران در جهت تبدیل این ساختار به ساختار تراست دادهٔ حقوقی و مشارکت دیگر سازمان‌ها به‌عنوان متولی تراست، ارائه دهد.[۱۵۶]

این رویکرد به شکل‌گیری تراست داده، با دو ایراد مواجه است: نخست، مانند رویکرد بالا به پایین به نقش فعالانهٔ دولت‌ها در ایجاد اولین تراست داده متکی است، و دوم اینکه ایجاد تراست داده در این معنا، مشارکت هم‌زمان دارندگان حق نسبت به داده (شهروندان) و مصرف‌کنندگان اعم از جمع‌آورندگان، پردازشگران و اشخاص ثالث را می‌طلبد. حال آنکه به‌سختی می‌توان تصور نمود که مصرف‌کنندگان (به‌خصوص جمع‌آورندگان) که در شرایط فعلی در موضع قدرت هستند، با اختیار خود در شکل‌گیری این سازوکار مشارکت نمایند؛ مگر آنکه مقررات داخلی و بین‌المللی، هرگونه جمع‌آوری و استفاده از داده را خارج از این ساختار به‌طورکلی منع یا محدود سازد.

به‌نظر می‌رسد اختلاف نظر در خصوص ماهیت تراست داده که به اختلاف در نحوهٔ شکل‌گیری آن نیز منتهی شده است، پیش از همه به اختلاف نظر در اهدافِ آن برمی‌گردد. آنان که تراست را نهاد حقوقی می‌دانند، بیش از هر چیز به فکر حقوق اشخاص نسبت به داده‌هایشان هستند و در مقابل، گروهی که تراست را مجموعه‌ای از روابط برای تسهیل اشتراک‌گذاری داده می‌پندارند، توسعهٔ هوش مصنوعی و غلبه بر چالش اساسی یادگیری ماشین در نیاز به دسترسی به مجموعه‌های عظیم داده(های دیگران) را محور می‌دانند.[۱۵۷]

۵. کارکردهای تراست داده

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، داده‌ها (به‌طور مشخص، داده‌های شخصی) ذی‌نفعان متعددی دارند؛ از این رو، چالش اساسی عصر حاضر، مدیریت استفاده از منابع عظیم داده است، به‌گونه‌ای که منافع تمامی ذی‌نفعان تأمین گردد. هر رویکردی که برای

---

۱۵۶. *Ibid*, p. 46.

۱۵۷. Chris Reed & Pinsent Masons, *op.cit*, p. 10.

مدیریت دادهٔ شخصی اتخاذ شود می‌بایست به سه سؤال راجع به جمع‌آوری، دسترسی و استفاده از داده پاسخ دهد.

در اکوسیستم داده‌های دیجیتال، عموماً سکوها و تجهیزات رایانه‌ای داده‌های اشخاص را جمع‌آوری می‌کنند؛ بنابراین، ابتدا شرکت‌هایی که مالکیت سکوها و بسترهای مرتبط را در اختیار دارند، راجع به جمع‌آوری، دسترسی و استفاده از داده تصمیم‌گیری می‌نمایند. این ساختار که به نفع شرکت‌های تجاری به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان است، از سوی مقررات حفاظت از داده تعدیل شده است؛ به این صورت که این مقررات، چارچوب گردش داده و تکالیف کنترل‌کنندگان و پردازشگران را مشخص می‌کنند. با این حال، این ایده خالی از اشکال نیست. مقررات حفاظت از داده، ساختار قراردادی صرف را تعبیه می‌نماید. شخص موضوع داده یک سوی توافق و شرکتی که جمع‌آوری داده‌ها را انجام می‌دهد به‌عنوان کنترل‌گر در طرف مقابل قرار دارد. علی‌رغم تحمیل الزامات مختلف از سوی مقررات حفاظت از داده، قراردادی که در قالب سیاست حریم خصوصی منعقد می‌شود، با ارادهٔ آزاد کاربران محقق نمی‌گردد. در این قرارداد، شخص موضوع داده در موضع ضعف قرار دارد و مجبور است یا سیاست‌های تحمیلی شرکت مالک سکو را بپذیرد یا از خدمات آن صرف‌نظر کند؛ افزون بر آن، تمامی کاربران از توان، فرصت، بینش و اطلاعات کافی برای تصمیم‌گیری راجع به جزئیات فرایند پردازش و استفاده از داده‌های شخصی و انعقاد قرارداد با شرکت‌های مختلف که داده‌ها را جمع‌آوری می‌کنند، برخوردار نیستند[۱۵۸]. از این رو، نگاه قراردادی صرف به حکمرانی داده نمی‌تواند از حقوق اشخاص موضوع داده حمایت کافی به‌عمل آورد.

در ساختار تراست، یک متولی از طرف تعداد زیادی از شهروندان به‌موجب تراست‌نامه، داده‌ها و حقوق ایشان نسبت به داده‌ها را در جهت منافع ذی‌نفعان مدیریت می‌کند. سازوکار یادشده این مزیت را دارد که اشخاص در مواجهه با هر سکو، برای آنکه رضایت خود را نسبت به تک‌تک شروط سیاست حریم خصوصی آن نشان دهند، نیازمند مطالعه و درک

۱۵۸. Anouk Ruhaak, *op.cit*, medium.com/@anoukruhaak/data-trusts-why-what-and-how-a8b 53b53d34

کامل آن (که در بسیاری از موارد ناممکن است[۱۵۹]) نیستند؛ بلکه تنها کافی است نوع تراست موردنظر خود را (در خصوص هر قسم از داده‌هایشان) انتخاب کنند تا ترتیب نظارت و مدیریت داده‌های آنان مشخص گردد:[۱۶۰]

قرارگیری داده‌ها ذیل نهاد تراست به اشخاص موضوع داده این امکان را می‌دهد که حقوق خود را در کنار یکدیگر تجمیع نمایند. این تجمع و تمرکز، به متولی تراست توانایی چانه‌زنی در جهت منافع ذی‌نفعان تراست ازجمله اشخاص موضوع داده را می‌دهد. در این صورت، این متولی است که تعیین می‌کند، چه داده‌هایی برای چه اهدافی جمع‌آوری شود و چه اشخاصی امکان دسترسی و استفاده از داده‌های شخصی کاربران را دارند؛ از این رو، عدم توازن فعلی در کنترل و تعیین سرنوشت داده به نفع کاربران، یعنی اشخاص موضوع داده، تغییر می‌کند.[۱۶۱]

همچنین ساختار تراست می‌تواند منافع سایر ذی‌نفعان را تأمین کند. متولی تراست، شخص ثالث بی‌طرف با وظایف امانت‌داری است؛ بنابراین، برخلاف کنترل‌گر در نظم کنونی که غالباً شرکت‌های تجاری (مالک سکو) هستند، در موقعیت تزاحم منافع با دیگر ذی‌نفعان قرار ندارد. درنتیجه متولی می‌تواند بر مبنای سند هر تراست، منافع مصرح ذی‌نفعان، دیگر گروه‌های ذی‌نفع داده مانند کسب‌وکارها و فناوری‌های داده‌بنیان و نیز منافع عمومی نسبت به فناوری‌های هوش مصنوعی و داده‌محور را تأمین نماید. به‌علاوه، تعیین سرنوشت داده صرفاً از دست شرکت‌هایی که هر آن ممکن است با خطر ورشکستگی، تغییر مالکیت یا کاربری و... مواجه شوند، خارج می‌شود. این امر تضمین بیشتری برای بقای داده‌های جوامع امروزی به‌عنوان میراث مشترک بشریت برای آیندگان را به‌ارمغان خواهد آورد.[۱۶۲]

---

۱۵۹. Brooke Auxier,, et al. Turn EricaAmericans' Attitudes and Experiences with Privacy Policies and Laws <https://www.pewresearch.org/internet/2019/11/15/americans-attitudes-and-experiences-with-privacy-policies-and-laws/>

۱۶۰. Sylvie Delacriox & Neil D. Lawrence, *op.cit*, p. 249.

۱۶۱. *Ibid*, p. 252.

۱۶۲. Carl Ohman & Nikita Aggarwal, *op.cit*, p. 10.

٦. مطالعهٔ نظام حقوق دادهٔ داخلی

انطباق نهاد تراست که ریشه در قواعد انصاف نظام حقوقی انگلستان دارد با مفاهیم موجود در حقوق ایران دشوار است. بخشی از این دشواری، افزون بر گستردگی تراست، ناشی از مبانی شناسایی و تأسیس قواعد آن است که در دیگر نظام‌های حقوقی یافت نمی‌شود. نهادهای موجود در نظام حقوقی ایران، هیچ‌یک انطباق تام با تراست نداشت که حالا بتوان از ظرفیت آن برای مدیریت داده‌ها به‌مانند تراست استفاده کرد. برخی از نویسندگان، مفهوم گستردهٔ تراست را از جهاتی قابل تشبیه به ودیعه، وصایت، وکالت، هبه و بیشتر از همه وقف دانسته‌اند.[۱۶۳] با این حال، به‌نظر می‌رسد شیوهٔ صحیح انطباق تراست با نهادهای داخلی، توجه به کارکرد این نهاد در زیست‌بوم اصلی آن، یعنی نظام حقوقی کامن‌لا است. در فرایند بومی‌سازی تراست داده در حقوق داخلی می‌بایست بیشتر از آنکه مرعوب ساختار بلاتشبیه آن شد، به نقش تراست در مدیریت داده توجه کرد. نقطهٔ ثقل ساختار تراست داده، پیش‌بینی رابطهٔ امانت‌داری بین متولی و ذی‌نفعان است. این خصیصه سبب شد تا تراست به‌عنوان راهکاری جهت برون‌رفت از نارسایی‌های موجود در گردش داده پذیرفته شود. این که متولی شخص ثالث مستقل باشد و این امر که در اثر تجمع حقوق اشخاص نسبت به داده، متولی توان عرض اندام و چانه‌زنی پیدا کند، دو وصفی است که می‌بایست در بومی‌سازی این نهاد مورد توجه قرار گیرد. در مقابل، وصف انتقال مالکیت قانونی به متولی و مالکیت انصافی برای ذی‌نفعان، از اوصاف خاص نظام حقوق کامن‌لا است که می‌توان در این فرایند از آن چشم‌پوشی کرد.

برای تطبیق نظام حاکم بر داده‌ها در حقوق ایران با تراست داده، باید میان داده‌های ملی و شخصی غیرملی[۱۶۴] تمایز قائل شد؛ به این جهت که دو نظام متفاوت حکمرانی و مدیریت داده وجود دارد. داده‌های ملی بر اساس قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی مدیریت می‌شوند و دیگر انواع داده تابع مقرراتی چون قانون تجارت الکترونیکی و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است.

---

۱۶۳. محمدعیسی تفرشی و اصغر محمودی، پیشین، صص ۲۳ و۴۰.

۱۶۴. منظور آن دسته از داده‌های شخصی است که مشمول الزامات قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی نیستند.

۶.۱. داده‌های ملی

بند «ت» مادهٔ ۱ قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، داده‌های ملی را به‌عنوان «داده‌ها و اطلاعات دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و یا هر داده و اطلاعات که به‌موجب قوانین و مقررات در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون قرار دارند» معرفی می‌نماید. داده‌های ملی اصطلاح جدیدی است که هرگونه دادهٔ عمومی و خصوصی (شامل داده‌های اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی) را که بر اساس قوانین و مقررات در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این مقرره باشد، دربر می‌گیرد.

در مادهٔ ۴ طرح اولیهٔ این قانون، برای اولین بار قانون‌گذار در مقام بیان مالکیت نسبت به داده و به‌طور خاص دادهٔ ملی برآمده است. در این ماده مقرر گردید که «داده‌های ملی به‌عنوان مالکیت معنوی عمومی در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد». اصطلاحی که تا پیش از این در نظام حقوق ایران سابقه‌ای نداشت؛ از این رو، آثار این مالکیت از سوی شورای نگهبان دارای ابهام تشخیص داده شد. مجلس شورای اسلامی برای جلب نظر شورای نگهبان در مقام اصلاح مادهٔ ۴ مقرر نمود: «داده‌ها و اطلاعات ملی جزو اموال عمومی بوده و ادارهٔ آن در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران است». مجدداً در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۴۰۱ تعریف و حدود آثار اموال عمومی از سوی شورای نگهبان دارای ابهام شناخته شد.[۱۶۵] در نهایت در تاریخ ۲۰ مهر ۱۴۰۱ طرح یادشده پس از انجام اصلاحات به تأیید شورای نگهبان رسید. در مادهٔ ۴ این قانون، بدون استفاده از الفاظ مالکیت عمومی یا اموال عمومی، با مضمونی شبیه اصل ۴۵ قانون اساسی، بر اینکه این داده‌ها در اختیار حاکمیت خواهد بود، تأکید گردید. در این ماده مقرر شد: «داده‌ها و اطلاعات ملی با لحاظ مسائل امنیتی و با رعایت محرمانگی اطلاعات اشخاص در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد».

در این مقرره، شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، به

---

۱۶۵. شورای نگهبان، سامانهٔ جامع نظرات:
<http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=NrkSzwPNVX0=&TN=l7tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN>

ترتیب به‌عنوان سیاست‌گذار و تنظیم‌گر در حوزهٔ حکمرانی داده‌های ملی شناخته شدند.[۱۶۶] داده‌های ملی می‌بایست در پایگاه‌های دادهٔ مشخصی که در قانون تصریح شده است، جمع‌آوری شوند.[۱۶۷] بر اساس تبصرهٔ مادهٔ ۴، کلیهٔ دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قانون و همچنین ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی[۱۶۸] موظف‌اند امکان دسترسی و تبادل داده‌ها و اطلاعات ملی را صرفاً بر اساس سطوح تعیین‌شده از سوی کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی فراهم آورند. طبق مادهٔ ۵ این قانون «دستگاه‌ها و نهادهای مشمول که قانوناً موظف به تولید، نگهداری، پردازش داده‌ها و اطلاعات می‌باشند، مکلفند در امر تولید، نگهداری، پردازش، حفظ امنیت و صیانت از داده‌های شخصی و تبادل و اشتراک‌گذاری و تکمیل و به‌روزرسانی داده‌ها و اطلاعات ملی، سیاست‌ها و نظامات مصوب شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی را اعمال و اجراء کنند». بنابراین، مدیریت و تصمیم‌گیری در خصوص داده‌های شخصی که بر اساس قوانین و مقررات در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون است، صرفاً در اختیار شورای عالی فضای مجازی و کارگروه پیش‌گفته است.

در خصوص ارزیابی ساختار پیش‌بینی شده برای مدیریت داده‌ها در این قانون باید بیان داشت که در این قانون هیچ اشاره‌ای به رضایت شخص موضوع داده نشده است؛ بنابراین نمی‌توان برای اراده و رضایت اشخاص در مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی نقشی قائل شد. شیوهٔ مدیریت داده‌های ملی موضوع این قانون دارای شباهت‌هایی با تراست داده با رویکرد بالا به پایین است. توضیح آنکه در هر دو ساختار نقش دولت و قوای حاکمیتی در مدیریت داده و تعیین تکلیف نسبت به جمع‌آوری، پردازش و استفاده از داده، پررنگ است. در این دو ساختار، نحوهٔ مدیریت داده به‌موجب قانون تعیین می‌شود و نهاد سیاست‌گذار و تنظیم‌گر مانند سند تراست عمل نموده، سطح دسترسی و تبادل داده‌های ملی میان دستگاه‌ها و

---

۱۶۶. مواد ۲ و ۳

۱۶۷. مادهٔ ۸

۱۶۸. در این قانون داده‌های ملی، داده‌های در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای مشمول است؛ از این رو تکلیف ارائه‌دهندگان خدمات که جزء نهادهای مشمول محسوب نمی‌شوند به‌نظر می‌رسد ناظر به داده‌ها و اطلاعاتی است که قانونا می‌تواند در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قرار گیرد، نه کلیهٔ داده‌هایی که در اختیار ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی است.

ارائه‌دهندگان خدمات را تعیین می‌کند. در این ساختار به‌مانند تراست داده با رویکرد بالا به پایین، شهروندان منفعل هستند و نقشی در تعیین اهداف پردازش و اشتراک‌گذاری داده‌ها ندارند.

با این حال، ساختار قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات تفاوت‌های جدی با الگوی تراست داده دارد. از خصایص ذاتی تراست، پیش‌بینی رابطهٔ امانی است؛ به‌گونه‌ای که متولی، امین محسوب شده، باید در راستای مصالح عالیهٔ مالکان داده عمل نماید. درحالی که در قانون پیش‌گفته، دستگاه‌های نهادهای مشمول قانون، ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی و متولیان پایگاه‌های داده و اطلاعات موضوع جدول ذیل تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۱۰، امین محسوب نشده، تنها با لحاظ مسائل امنیتی و با رعایت محرمانگی اطلاعات اشخاص، می‌بایست در راستای سیاست‌ها و مصوبات نهاد سیاست‌گذار و تنظیم‌گر عمل نمایند. تفاوت دیگر آنکه در رویکرد بالا به پایین در تراست داده، علی‌رغم مداخلهٔ قانون و نهادهای دولتی در ایجاد و توسعهٔ تراست، اشخاص موضوع داده از اختیار عمل اولیه برای در تراست نهادن داده‌های خود برخوردارند؛ ولو اینکه تراست را خود ایجاد نکرده باشد و نحوه و اهداف مدیریت داده در اختیار آنها نباشد؛ لکن در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، اصل و اساس، تسلط نهاد سیاست‌گذار و تنظیم‌گر بر داده‌های ملی معلول ارادهٔ اشخاص موضوع داده نیست.

این ایده که نهادهای حاکمیتی متولی حکمرانی و مدیریت داده‌هایی که در این قانون ملی شناخته شده‌اند، باشند شاید به‌خودی خود بتواند یکی از مهم‌ترین اهداف تراست داده، یعنی مقابله با انحصار غول‌های فناوری در جریان گردش داده را فراهم آورد؛ لکن قدرت چانه‌زنی و تعیین سرنوشت داده‌ها را برای افراد و اشخاص خصوصی به ارمغان نیاورده، از این حیث، یکی از کارکرد مهم تراست داده را محقق نمی‌سازد.

۶.۲. داده‌های شخصی غیرملی

قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ را می‌توان نخستین قانونی دانست که دارای مقرراتی پیرامون داده‌های شخصی است. مادهٔ ۵۸ این قانون مقرر داشته است: «ذخیره، پردازش و یا توزیع «داده‌پیام»های شخصی مبیّن ریشه‌های قومی یا نژادی، دیدگاه‌های عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و «داده‌پیام»های راجع به وضعیت جسمانی، روانی و

یا جنسیِ اشخاص، بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان غیرقانونی است». در مادهٔ ۵۹ نیز با لحاظ این قید که محتوای داده‌پیام وفق قوانین باشد، شرایطی برای ذخیره، پردازش و توزیع داده‌پیام‌های شخصی ذکر شده است. از مادهٔ ۵۹، برخی حقوق اشخاص موضوع داده نسبت به داده‌پیام‌های شخصی قابل استنباط است؛ بند «د» مبیّن حق بر دسترسی و همچنین حق اصلاح داده‌پیام شخصی ناقص یا نادرست است. «شخص موضوع «داده‌پیام» باید به پرونده‌های رایانه‌ای حاوی «داده‌پیام»های شخصی مربوط به خود دسترسی داشته باشد و بتواند «داده‌پیام»های ناقص و یا نادرست را محو یا اصلاح کند». بند «ه» به حقی معادل حق حذف داده یا فراموشی اشاره دارد: «شخص موضوع «داده‌پیام» باید بتواند در هر زمان با رعایت ضوابط مربوطه درخواست محو کامل پروندهٔ رایانه‌ای «داده‌پیام»های شخصی مربوط به خود را بنماید».

قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ مقرره‌ای مؤخر از قانون پیش‌گفته است که حاوی احکامی پیرامون دسترسی به داده‌ها و به‌طور خاص داده‌های شخصی[۱۶۹]است. مادهٔ ۶ این قانون در خصوص حق اشخاص نسبت به دسترسی به داده‌های شخصی که در اختیار مؤسسات عمومی و خصوصی است قائل به محدودیت شده است. «درخواست دسترسی به اطلاعات شخصی تنها از اشخاص حقیقی که اطلاعات به آنها مربوط می‌گردد یا نمایندهٔ قانونی آنان پذیرفته می‌شود». از این ماده، حق دسترسی اشخاص نسبت به داده‌های شخصی ایشان و نیز انحصار اشخاص در دسترسی نسبت به این داده‌ها، قابل برداشت است. مادهٔ ۱۴ این قانون، حفاظت از حریم خصوصی اشخاص را به‌عنوان یکی از استثناهای حق بر دسترسی به اطلاعات برشمرده و در حقیقت به بُعد سلبی مالکیت اشخاص اشاره کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «چنانچه اطلاعات درخواست‌شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمرهٔ اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود».

آیین‌نامهٔ حمایت از سکوها و کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال مصوب آبان ۱۴۰۱ هیئت

---

۱۶۹. در این قانون تمایزی میان داده و اطلاعات وجود ندارد و در بند «الف» مادهٔ ۱، اطلاعات به «هر نوع داده...» تعریف شده است.

وزیران؛[۱۷۰] یکی دیگر از تلاش‌های تقنینی در جهت سامان‌دهی داده‌های اشخاص است. در مادهٔ ۱۱ این آیین‌نامه مقرر شده است: «داده و اطلاعات کاربران در سکوها به‌عنوان داده‌پیام‌های شخصی ایشان مشمول فصل سوم قانون تجارت الکترونیکی ـ مصوب ۱۳۸۲ـ با اصلاحات و الحاقات بعدی است و سکوها موظف به حفظ و جلوگیری از انتشار اطلاعات کاربران بوده و هر گونه دسترسی و استفاده از اطلاعات کاربران بدون مجوز قانونی یا موافقت صاحبان پیام، ممنوع است». در این ماده با ارجاع به فصل سوم قانون تجارت الکترونیکی– که البته می‌بایست به‌طور دقیق بیان می‌شد: فصل سوم از مبحث اول از باب سوم قانون تجارت الکترونیکی– داده‌های شخصی کاربران مشمول مقررات این قانون دانسته شده و هرگونه دسترسی و استفاده از این داده‌ها منوط به موافقت صاحبان داده‌پیام است. از این نظر، آیین‌نامهٔ مصوب ۱۴۰۱ در خصوص نظام حاکم بر داده‌های شخصی و حفاظت از آن، گامی جدید محسوب نشده، بر تداوم حکومت مقررات قانون تجارت الکترونیکی تأکید می‌نماید.

پیش‌تر در خصوص داده‌های ملی گفته شده که این داده‌ها در تصرف دولت جمهوری اسلامی ایران است؛ با این حال، ساختار قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با تراست داده است که به آن پرداخته شد. اما در خصوص داده‌های شخصی غیرملی، همچنان الگوی رضایت‌محور قراردادی در مقررات ایران پذیرفته‌شده است. با توجه به انتقادات وارده به این رویکرد (ر.ک. مبحث پیشین از همین مقاله تحت عنوان کارکردهای تراست داده)، شایسته است مقررات حاکم بر مدیریت داده‌های شخصی در نظام حقوقی ایران دستخوش تغییر شود؛ در این مسیر می‌توان با الگوبرداری از سازوکار موجود در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، به سمت پیش‌بینی نهادهای بی‌طرف برای مدیریت داده‌های شخصی حرکت کرد. این نهادها نه صرفاً با ارادهٔ حاکمیت و به وسیلهٔ نمایندگان آن (مانند قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی)، بلکه می‌توانند با ارادهٔ ذی‌نفعان اصلی داده، اعم از صاحبان داده، سکوها و سایر ذی‌نفعان تشکیل گردند و از این طریق فرایندهای

۱۷۰. این آیین‌نامه مصوب تعدادی از وزیران عضو کارگروه اقتصاد دیجیتال بوده و با کسب اجازه از اصل ۱۳۸ قانون اساسی وظیفهٔ تصویب آیین‌نامه به کارگروه یادشده اعطا شده است.

جمع‌آوری، پردازش و استفاده از داده‌های شخصی را با لحاظ حریم خصوصی اشخاص موضوع داده و منافع دیگر ذی‌نفعان مدیریت نمایند.

به‌نظر می‌رسد نهاد وکالت در قانون مدنی ایران این ظرفیت را دارد که برای نیل به اهداف و کارکردهای تراست داده مورد استفاده قرار گیرد. اشخاص ذی‌حق نسبت به داده می‌توانند برای اِعمال حقوق خود وکالت دهند. وکیل که نایب موکل است (مادهٔ ۶۵۶ قانون مدنی)، باید مانند امینی دلسوز غبطه و مصلحت موکل را رعایت نموده (مادهٔ ۶۶۷)، بر اساس اختیاراتی که در وکالت‌نامه به او اعطا شده است (مادهٔ ۶۶۳) حقوق موکل را استیفا نماید و وارد مذاکره و معامله با اشخاص دیگر شود. در این ساختار، وکیل در جایگاه متولی قرار می‌گیرد و در حدود اختیارات اعطایی، داده‌ها و حقوق مربوطه را در جهاتی که موکل مشخص نموده است، اداره می‌نماید. از حیث تحلیلی در نظام حقوق ایران، وفق مادهٔ ۵۸۹ قانون تجارت، اشخاص حقوقی به‌جز نسبت به حقوق و تکالیفی که بالطبع فقط برای انسان ممکن است، از اهلیت عام برخوردار هستند؛ بنابراین، می‌توان شرکت‌های کارگزاری داده را پیش‌بینی نمود که با موضوع ادارهٔ حقوق اشخاص نسبت به داده‌ها (عاملی) ایجاد شود. این شرکت‌ها بر اساس وکالت‌نامه‌هایی که می‌تواند بنابر غرض و سلیقهٔ موکل دارای شروط، جهات و اهداف مختلف باشد، اختیارات لازم برای مدیریت حقوق اشخاص را أخذ می‌کنند. شرکت کارگزاری داده در ازای خدماتی که به اشخاص موضوع داده ارائه می‌دهد، حق‌الوکاله (کارمزد) دریافت می‌کند. در این فرض، کلیهٔ اقدامات شرکت به نام و حساب موکل خواهد بود و اگر در اثر پردازش، انتقال یا فروش داده‌ها منافعی حاصل شود، به موکل تعلق خواهد گرفت.

شرکت‌های کارگزاری داده می‌توانند با اهداف مختلف ایجاد شوند؛ برای مثال برخی برای ادارهٔ داده‌های حمل و نقل یا موقعیت مکانی و برخی دیگر برای مدیریت داده‌های اقتصادی، داده‌های ارتباطی و رسانه‌های اجتماعی. مزیت این ساختار، مساعدت به اشخاص در تصمیم‌گیری نسبت به داده‌هایشان است. اشخاص نمی‌توانند در شرایط فعلی از تمام جزئیات موافقت‌نامهٔ حریم خصوصی آگاه شوند و آزادانه اعمال اراده کنند؛ در مقابل، شرکت‌های کارگزاری داده از تخصص کافی برای مدیریت داده‌ها همچنین انعقاد قرارداد با مصرف‌کنندگان داده بر مبنای وکالت أخذشده برخوردار هستند. استفاده از ظرفیت شرکت‌های کارگزاری داده می‌تواند زمینه‌ساز اجتماع حقوق موکلان متعدد شود، به‌طوری

که قدرت چانه‌زنی و مذاکره برای شرکت کارگزاری داده فراهم آید.

نتیجه

تراست، ساختاری در حقوق کامن‌لا است که در آن یک دارایی از سوی شخص بانی به متولی سپرده می‌شود تا آن را در جهت منافع ذی‌نفعانِ مشخص حفظ نماید. تراست داده، الگویی برای مدیریت داده‌هاست که در آن اشخاص داده‌هایشان را به متولی می‌سپارند تا از طریق حفظ حقوق آنها در قبال داده‌ها، بر فرایندهای جمع‌آوری، پردازش و استفاده از داده‌ها نظارت کند. در این سازوکار، با اجتماع داده‌های اشخاص متعدد نزد متولی، او قدرت و اختیار فراوانی برای مذاکره و چانه‌زنی با شرکت‌های ذی‌نفع داده به‌منظور حفظ منافع اشخاص موضوع داده در فرایندهای مربوط به داده به‌دست می‌آورد. علاوه بر منافع اشخاص موضوع داده، هر تراست ممکن است بر مبنای مقاصد بانیان آن، دارای اهداف و ذی‌نفعان مختلفی باشد. در این صورت، متولی موظف است طبق ارادهٔ بانیان، برای سرنوشت داده‌ها تصمیم‌گیری کند. در این فرض، ممکن است اشخاص داده‌های خود را برای منافع پژوهشی و تحقیقات خاص و یا به‌طور کلی در جهت منافع عامه در اختیار متولی قرار دهند. متولی نیز شخصی است که خود ذی‌نفع داده محسوب نمی‌شود، بلکه در رابطهٔ میان مالکان داده و مدیران سکوها، ثالث تلقی شده، وظیفهٔ امانت‌داری را به اقتضای ذات تراست برعهده دارد و می‌تواند تزاحم منافع میان ذی‌نفعان داده را به‌خوبی مدیریت کند.

در شرایط کنونی، مدیریت و تصمیم‌گیری نسبت به سرنوشت داده‌های اشخاص، تنها در اختیار سکوهاست. در میان این گروه، شرکت‌هایی که از آنها به‌عنوان غول‌های فناوری یاد می‌شود، مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کنند. ساختار فعلی از یک سو حریم خصوصی اشخاص را تأمین نمی‌کند، زیرا داده‌های اشخاص پس از گرفتن رضایت ایشان آن‌هم بر مبنای یک موافقت‌نامهٔ تحمیلی، تماماً در اختیار سکوها قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، موجب تداوم سلطهٔ غول‌های فناوری بر سرنوشت داده‌هاست. حال آنکه این گروه، خود یکی از ذی‌نفعان داده محسوب شده، در عین حال که در مقابل اشخاص موضوع داده به‌دنبال جریان آزاد داده و کاهش مراقبت‌های حریم خصوصی است، در مواجهه با دیگر کسب‌وکارها و فناوری‌های داده‌بنیان که ممکن است انحصارش را به‌خطر اندازند، مانعی برای جریان آزاد داده‌هاست.

در حقوق داخلی ایران، دو نظام مختلف از حکمرانی و مدیریت بر داده‌های دیجیتال حاکم است. در مورد داده‌هایی که به‌موجب قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، ملی محسوب می‌شوند، سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری داده‌ها با رعایت محرمانگی اشخاص در اختیار شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی است. موضع قانون پیش‌گفته، دارای شباهت‌هایی با رویکرد بالا به پایینِ الگوی تراست داده است؛ ازجمله آنکه در هر دو ساختار، قانون و نهادهای حاکمیتی نقش جدی در مدیریت داده‌ها ایفا می‌کنند. با این حال، وجود نقاط افتراق جدی ازجمله فقدان رابطهٔ امانی در الگوی داخلی، همچنین محدود بودن ساختار قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی به داده‌های ملی، این دو ساختار را از یکدیگر متمایز می‌سازد. اما در مورد داده‌های شخصی که ملی تلقی نمی‌شوند، الگوی رضایت‌محور قراردادی به‌موجب قانون تجارت الکترونیکی، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و همچنین آیین‌نامهٔ حمایت از سکوها و کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال برگزیده شده است. تأسیس نهادهای خصوصی بی‌طرف با استفاده از ظرفیت عقد وکالت مدنی در قالب شرکت تجاری می‌تواند جایگزین مناسبی برای ساختار رضایت‌محور قراردادی حکمرانی داده در مورد داده‌های شخصیِ در اختیار سکوها و کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال به‌حساب آید.

با این حال، نهاد تراست برای اجرا با چالش‌های مهمی مواجه است. مهم‌ترین چالش تراست عدم آشنایی عموم اشخاص جامعه با این ساختار و در موازات آن، عدم اطلاع عموم از حقوق خود نسبت به داده است؛ از این جهت، شکل‌گیری نهادهای تراست به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. تراست به حاکمیت انحصاری غول‌های فناوری پایان داده، قواعد موجود را برهم می‌زند؛ بنابراین از سوی این‌دست ذی‌نفعان مورد حمایت نیست. علاوه بر این، دولت‌ها نیز ازآنجا که غالباً تمایل دارند مدیریت و تصمیم‌گیری داده‌ها را در اختیار خود قرار دهند، احتمالا در شکل‌گیری و توسعهٔ نهادهای تراست مستقل پیش‌گام نخواهند شد. اجرایی شدن ایدهٔ تراست داده، نیازمند نقش فعال نهادهای بین‌المللی در عرصهٔ فراملی و مؤسسات خصوصی مردم‌نهاد در عرصهٔ داخلی است.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- کتاب‌ها

۱. انصاری، باقر؛ عطار، شیما و صالحی، امیرحسین (۱۴۰۰). ***حقوق داده‌ها و هوش مصنوعی***. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۸). ***فرهنگ عناصرشناسی***. تهران: گنج دانش.

۳. میرحسینی، سید حسن (۱۳۹۴). ***حقوق مالکیت معنوی***. تهران: میزان.

- مقالات

۴. ایراندوست، زهرا و ساعی، سید محمدهادی (۱۴۰۲). بررسی نمایندگی اضطراری در حقوق انگلستان و جایگاه آن در حقوق ایران. ***مطالعات حقوق تطبیقی معاصر***، ۱۴ (۳۱)، ۸۲-۶۱.
Doi: 10.22034/LAW.2022.51672.3137

۵. پروین، فرهاد و عطار، شیما (۱۴۰۰). حقوق اتحادیهٔ اروپا و چالش شناسایی حق مالکیت بر داده در عصر اقتصاد دیجیتال. ***حقوقی بین‌المللی***، ۳۸ (۶۵)، ۲۸۱-۳۰۴.
Doi:10.22066/CILAMAG.2021.245186

۶. عادل، مرتضی (۱۳۸۹)، قواعد انصاف در نظام کامن‌لا. ***حقوق دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی***، ۴۰ (۱)، ۱۷۹-۱۹۲.

۷. میرشکاری، عباس (۱۳۹۷)، ارث حساب‌های مجازی. ***دانش حقوق مدنی***، ۷(۲)، ۷۱-۹۰.
Doi:10.30473/clk.2018.5425

- پایان‌نامه

۸. شفقتی هشجین، ویدا (۱۳۷۹)، ***مطالعهٔ تطبیقی نهاد وقف در حقوق ایران و تراست در حقوق انگلیس***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

- قوانین

۹. آیین‌نامهٔ حمایت از سکوها و کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال

۱۰. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

۱۱. قانون تجارت

۱۲. قانون تجارت الکترونیکی

۱۳. قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی

- منابع الکترنیکی

۱۴. شورای نگهبان، ***سامانهٔ جامع نظرات***،

<nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=NrkSzwPNVX0=&TN=l7tLyhyOobj0SooAFUE3m68PnpG7MruN>

ب) منابع انگلیسی

- Books

15. Black, Henry Campbell. (2009). ***Black's Law Dictionary***. 9th Ed, California: Thomson West.
16. Edwards, Richard & Stockwell, Nigel. (2005). ***Trusts and Equity.*** 4th ed, London: Routledge-Cavendish.
17. Hayton, DJ. (1990). ***The Law of Trust***. 1st Ed, London: Sweet & Maxwell.
18. Hepburn, Samantha. (2001). ***Principles of Equity & Trusts***. 1st Ed, London: Cavendish Publishing.
19. Padfield, C.F, Baker & D.L.A. (1992). ***Law Made Simple***. London: Oxford, 8th Ed.
20. Pettit, Philip, Henry. (2012). ***Equity and The Law Of Trusts***. 12th Ed, New York: Oxford University Press Inc.
21. Ramjohn, Mohamed. (2013). ***Beginning Equity and Trusts***. 1st Ed London: Taylor& Francis.

- Articles

22. Balkin, Jack M. (2016). Information Fiduciaries and the First

Amendment. ***UC Davis Law Review***, 49 (4), 1183-1234.

23. Boerding, Andreas, Culik, Nicolai, Doepke, Christian, Hoeren, Thomas, Juelicher, Tim, Roettgen, Charlotte, Schoenfeld, Max V. (2018). Data Ownership-A Property Rights Approach from a European Perspective**. *J.Civ. L. Stud***, 11 (2), 321-369.

24. Delacriox, Sylvie & Lawrence, Neil D. (2019). Bottom-up data Trusts: disturbing the 'One Size Fits All'approach to Data Governance. ***International Data Privacy Law***, 9 (4), 236-252.

25. Edwards, Lilian. (2004). The Problem with Privacy-A Modest Proposal**. *International Review of Law Computers & Technology***, 18(3), 263-294.

26. Huq, Aziz Z. (2020). The Public Trust in Data. ***Georgetown Law Journal***, 110, 333-391.

27. Janeček, Václav. (2018). Ownership of Personal Data in the Internet of Things. ***The Computer Law & Security Review***, 34 (5), 1039-1052.

28. Lau, Jia Jun Jeremiah & Penner, James & Wong, Benjamin. (2019). The Basics of Private and Public Data Trusts. ***NUS Law Working Paper***, 2019/019, 1-27.

29. O'hara, Kieron. (2019), Data Trusts: Ethics, Architecture and Governance for Trustworthy Data Stewardship. ***WSI White Papers, 1 Southampton. University of Southampton***, 1, 1-27.

30. Ohman Carl & Aggarwal, Nikita (2020). What if Facebook Goes Down? Ethical and Legal Considerations for the Demise of Big Tech. ***Internet Policy Review***, 9 (3), 1-22.

31. Stern, James Y, (2018). What is the Right to Exclude and Why Does it Matter? ***M.H. Otsuka & J.E. Penner eds, Cambridge University Press,*** 38-68.

- Websites

32. Auxier, Brooke & Rainie, Lee & Anderson, Monica & Perrin, Andrew, & Kumar, Madhu & Turn, Erica, Americans' Attitudes and Experiences with Privacy Policies and Laws,

<https://www.pewresearch.org/internet/2019/11/15/americans-attitudes-and-experiences-with-privacy-policies-and-laws/>.

33. British Academy, Royal Society and Tech UK, Data Ownership, Rights and Controls: Reaching a Common Understanding Discussions. Seminar on 3 October 2018. <https://royalsociety.org/~/media/policy/projects/data-governance/data-ownership-rights-and-controls-October-2018.pdf>.

34. Element AI & Nesta Report, Data Trusts A New Tool for Data Governance, <hello.elementai.com/data-trusts.html>.

35. Hall, Dame Wendy & Pesenti, Jérôme, Growing the Artificial intelligence industry in the UK, <https://www.gov.uk/government/publications/growing-the-artificial-intelligence-industry-in-the-uk>.

36. Lawrence, Neil, Data Trusts, <inverseprobability.com/2016/05/29/data-trusts#fn:origin>.

37. Lawrence, Neil & Oh, Seongtak, Enabling Data Sharing for Social Benefit Through Data Trusts, <https://gpai.ai/projects/data-governance/data-trusts/#:~:text=This%20project%20was%20established%20to,interests%20of%20all%20in%20society>

38. Mildebrath, Hendrik, Data Governance Act European Parliamentary Research Service, <europarl.europa.eu/thinktank/en/document/EPRS_BRI(2021)690674>.

39. Nesta, Anticipatory Regulation, <https://www.nesta.org.uk/feature/innovation-methods/anticipatory-regulation>.

40. Ruhaak, Anouk, Data Trusts: Why, What and How, <medium.com/@anoukruhaak/data-trusts-why-what-and-how-a8b53b53d34>.

41. Reed, Chris, Masons, Pinsent, Data Trusts: Legal and Governance Considerations, <theodi.org/wp-content/uploads/2019/04/General-legal-report-on-data-trust.pdf>.

42. Singh, Spandana, The Role of Data in the Targeted Advertising

Industry,<https://www.newamerica.org/oti/reports/special-delivery/-the-role-of-data-in-the-targeted-advertising-industry/>.

43. Statista, Volume of Data/Information Created, Captured, Copied, and Consumed Worldwide from 2010 to 2020, with Forecasts from 2021 to 2025, <statista.com/statistics/871513/worldwide-data-created>.

44. United Nations Secretary, Roadmap for Digital Cooperation, <www.un.org/en/content/digital-cooperation-roadmap>.

45. Worthington, Sarah, Data Ownership, Rights and Controls: Reaching a common understanding, <https://royalsociety.org/~/media/policy/projects/data-governance/data-ownership-rights-and-controls-October-2018.pdf>

46. WylieSean, Bianca & McDonald, Martin, What Is a Data Trust?, <cigionline.org/articles/what-data-trust/>

- Acts

47. General Data Protection Regulation (GDPR)